

شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب، ضرورت مبرم انقلابی است

برای ورود در این بحث که: چرا شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یک وظیفه ضروری و مبرم انقلابی است، به نظر میرسد که باید ابتدا بر این واقعیت مسلم انگشت تاکید گذارد که، کشور ما در این کره زمین قرار گرفته است و ما، چه بخواهیم و چه نخواهیم، نیاز به برقراری مناسبات با دیگر کشورها داریم، چه برای رفع نیازمندیهای کنونی، چه برای تحکیم استقلال سیاسی و حرکت بسوی نوسازی مستقل کشور و بسود زحمتکشان (کارگران، دهقانان زحمتکش، پیشه‌وران، کسبه، روشنفکران زحمتکش)

در تمام عرصه‌های اقتصادی، فنی، علمی، فرهنگی، نظامی و غیره. از سوی دیگر باید به این واقعیت توجه جدی داشت که، نیروها و کشورها در سطح بین‌المللی ناظر بر طرف انقلاب و روند انقلاب ما نیستند. آنها یا مخالف و یا طرفدار تثبیت، تحکیم و تعمیق انقلاب ما هستند. و این مخالفت و یا طرفداری خود را سعی دارند تحقق علمی بخشند. این واقعیات از سوی نیروهای داخلی مخالف انقلاب (ضدانقلاب) بقیه در صفحه ۲

فردا بعد از اخبار شب در شبکه اول:

بحث آزاد تلویزیون

درباره «آزادی، هرج و مرج، زورمداری»
باشورکت حزب توده ایران
پخش می‌شود

در این بحث رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکت کنندگان در این بحث عبارتند از: آقای بهشتی (از حزب جمهوری اسلامی)، آقای پیمان (از جنبش مسلمانان مبارز) و آقای فتاپور (از سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»).

تذکره: طبق اطلاع قبلی تلویزیون قرار بود که این بحث در روزهای دوشنبه ۴ و سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰ پخش شود. ولی روز پنج‌شنبه تلویزیون اعلام کرد که به علت تراکم برنامه، پخش اول این بحث ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه اول خرداد پخش می‌شود. و روز جمعه پخش اول این بحث در محیط سالم و باموقفیت برگزار شد.

بحث آزاد تلویزیون با اقبال توده‌های مردم و خشم مدعیان هواداری از «بحث آزاد» مواجه شده است

فصل و پخش «بحث آزاد» درباره مباحث آیدئولوژیک و سیاسی، باشورکت نمایندگان احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی، از سیمای جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد. این امر، یعنی برخورد آزاداندیشه‌ها در محیطی سالم، که طی دو سال و اندی پس از انقلاب، واقعه تازه و مثبتی بشمار میرود، واکنش-

های متفاوتی را در میان نیروهای گوناگون اجتماعی و سیاسی برانگیخته است. آنچه که در این میان اهمیت فراوان تعیین کننده دارد، واکنش مثبت و تأیید آمیز توده‌های مردم است که با اشتیاق این پدیده تازه در جو سیاسی کشور را پذیرا شدند و با شور و حرارت به داری درباره بقیه در صفحه ۲

مردم می‌طلبند:

ابهامات درباره «سرقه اسناد» وزارت امور خارجه را بر طرف سازید!

وزارت امور خارجه تکذیب کردید. در اطلاعیه رسمی وزارت امور خارجه خطاب به رئیس‌جمهور تصریح شده است که: «آقای مرتضی فضلی‌نژاد در وزارت خارجه هیچگونه مدرک و نشانه‌ای دال بر وابستگی خود به دفتر ریاست جمهوری ارائه نکرد و اصولاً در رابطه با وابستگی خود به هر نهاد دولتی یا غیر دولتی دیگر سکوت نمود.»

اسناد محرمانه به عناصر غیر مسئول، بازداشت گردید. روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه دفتر ریاست جمهوری اطلاعیه‌ای اعلام داشت که فرد دستگیر شده نماینده این دفتر بوده است که یا معرفی کتبی و اجازه مقامات مسئول مملکت، مأمور رسیدگی و مطالعه پرونده‌های در وزارت خارجه و سایر وزارتخانه‌ها بوده است. (اطلاعات، ۳۰ اردیبهشت ۶۰) اما این ادعا سپس توسط مقامات

روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰، فردی بنام مرتضی فضلی‌نژاد، همراه با فرد دیگری، بهنگام خارج کردن تعداد زیادی اسناد سری و محرمانه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در ساختمان شماره ۳ این وزارتخانه دستگیر و به مقامات مسئول تحویل داده شد. متعاقب این امر، اسماعیل ناطقی، مدیر کل امور کنسولی وزارت امور خارجه نیز بدلیل «تسلیم غیر قانونی

پرژن ف:

اوضاع منطقه بر اثر تلاشهای واشنگتن برای اعمال فشار ناهنجار بر ایران و تدارك مداخله مسلحانه در افغانستان وخیم شده است

تدارك مداخله مسلحانه در انقلاب افغانستان وخیم شده است. تمرکز یسابقه نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا در سراسر منطقه بر وخامت اوضاع آن افزوده است. لئونید برژنف افزود: «بنظر ما (برای گواهی تشنج اوضاع) امکانات چندی وجود دارد: توافق جداگانه درباره صلح و امنیت در حوزه خلیج فارس، توافق درباره حل و فصل مسائل مربوط به افغانستان و یا بررسی جهات بین‌المللی این مسائل در رابطه با یکدیگر. البته حق حاکمیت تمام کشورهای این منطقه باید بطور اطمینان بخشی تضمین گردد. از مداخله در امور داخلی آنها نباید سخنی در میان باشد.»

برژنف درباره اوضاع منطقه گفت: «ما خواهان گفتگوهای مجدانه برای بهبود و سالم سازی مناسبات بین‌المللی هستیم. این مدعا درباره اوضاع خلیج فارس و منطقه پیرامون افغانستان نیز کاملاً صادق است. اوضاع این منطقه بر اثر تلاش‌های واشنگتن برای اعمال فشار ناهنجار بر ایران و

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جشن شصت سالگی جمهوری و حزب کمونیست گرجستان در روز جمعه ۱ خرداد ۶۰، سخنرانی مهمی ایراد کرد، که بخش کوتاهی از آن در شماره دیروز گزارشی دادیم.

در ادامه پیروزی‌های اخیر رزمندگان جمهوری اسلامی ایران:

تعدادی از سگرهای عراقی در بخش اشغالی خونین شهر

منهدم شد

منهدم شد. در جبهه‌های آبادان و خونین- شهر موفقیت‌های دیگری نصیب بقیه در صفحه ۲

شده بودند، بیش از ۲۷۰ تن از نفرات دشمن نیز در همین عملیات به هلاکت رسیدند که از این عده ۲۱۰ تن در مناطق شوش و دزفول و ۶۰ تن نیز در مناطق سوسنگرد و الله‌اکبر کشته

در ادامه نبرد برای بیرون راندن متجاوزین صدامی از خاک ایران بخش دیگری از مواضع دشمن در جبهه‌های غرب و جنوب کشور منهدم شد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران با

انتشار اطلاعیه ۵۱۰ خودکوشه‌ای از این عملیات را به آگاهی رساند. براساس این اطلاعیه بر پایه آخرین گزارش‌های تکمیلی علاوه بر اسرانی که در جریان حملات روز پنجشنبه به اسارت گرفته

در ادامه نبرد برای بیرون راندن متجاوزین صدامی از خاک ایران بخش دیگری از مواضع دشمن در جبهه‌های غرب و جنوب کشور منهدم شد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران با

گسترش دامنه تجاوز اسرائیل در لبنان با پشتیبانی آمریکا، صلح و امنیت این منطقه را با خطری جدی روبرو کرده است
صفحه ۴

اخراج کارکنان نیروگاه برق رامین اهواز به زیان انقلاب است!

حکم اخراج را لغو و به حقوق معوقه کارکنان رسیدگی کنید!

کارکنان تکنیکو بیرون اکسپورت، ملی‌ساختان و جنرال مکانیک نیروگاه برق رامین اهواز، طی حکمی اخراج شده‌اند. این حکم در شرایطی صادر میشود که این کارکنان از آغاز جنگ تا بحال حقوق دریافت نکرده‌اند.

کار نیروگاه برق رامین اهواز با ظرفیت نهایی ۱۲۶۰ مگاوات، که ۳۱۵ مگاوات آن مورد بهره برداری قرار گرفته بود، با آغاز جنگ تحمیلی متوقف گردید. کارکنان زحمتکش این نیروگاه در بی توقف کار آن، فعالیت وسیعی را برای کمک به جبهه و پشت جبهه و نیز تلاش برای برآوردن انرژی برق در اهواز، اما متأسفانه حکم اخراج کارکنان بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تازه‌های روز

ضد انقلاب به نابود کردن مواد مورد نیاز مردم ادامه می‌دهد

جمعه گذشته (اول خرداد) ۵۰۰ هزار آمپول سالم، که در بیابانهای اطراف تهران ریخته شده بود، کشف شد. این آمپول‌ها، به گزارش روزنامه «صبح آزادگان» (شنبه ۲ خرداد ۱۳۶۰) در بیابانهای باقرآباد بدست آمده و شامل آمپول‌های آنفالین (قلبی) و ناداوین (ویتامین ب یک) بوده است. این آمپول‌ها، که کاملاً سالم بوده، در بازار کمیاب و بخصوص نوع قلبی آن بسیار مورد نیاز است. در همین حال در خرابه‌های اطراف خیابان نفت در شمال تهران، ۲۵۰ کیلوگرم گوشت یخزده سالم و تعداد زیادی کمپوت بدست آمد.

این اخبار در حالی منتشر میشود که هنوز چند روز بیشتر از کشف لاشه هزاران مرغ و جوجه سالم در بیابانهای اطراف تهران نمی‌گذرد. خیرها نشان‌دهنده این امر است که ضدانقلاب با تمام نیرو در تلاش است، تا از جمله با از بین بردن مواد غذایی و دارو، کمپوت مصنوعی ایجاد کند و سپس خود، با نوشتن آن برای دولت، علیه انقلاب به تبلیغ بپردازد.

هزینه عظیم آمریکا برای دفاع از «حقوق بشر!»

اسنای آمریکا روز پنجشنبه با ۵۰ رای موافق در مقابل ۴۸ رای مخالف، رای به صرف ۴۰۰ میلیون دلار برای تجهیز یک کارخانه سازنده گاز ضد انصباب داد. (صبح آزادگان - ۲ خرداد ۱۳۶۰)

پنا بر همین گزارش، حتی خبرگزاری آمریکائی یونایتد پرس مجبور به اعتراف شده است که این گاز فاجعه‌ای برای کره زمین ببار خواهد آورد. موافقت سنای آمریکا - یعنی نمایندگان منصوب انحصارات بزرگ سرمایه‌داری - با طرح فوق نشان میدهد که آمریکا همچنان در سطح بسیار گسترده‌ای به مبارزه برای احقاق «حقوق بشر» ادامه می‌دهد! البته نامنه این «مبارزه» این بار آنقدر گسترده است که کره زمین را با فاجعه روبرو خواهد کرد.

باز هم از «مبارزه» افغانی‌های «انقلابی» در ایران

آقای صادقی قهاره، نماینده جدید دادستان کل انقلاب در داسرای مبارزه با مواد مخدر، در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و از جمله گفت:

«متأسفانه بعلت عدم کنترل کافی در مرزهای کشور، مخصوصاً در منطقه مرزی ایران و افغانستان و رفت و آمدهای بی‌ضابطه افراد افغانی به داخل خاک ایران، فرصت مناسبی برای فعالیت قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر فراهم شده است. این افراد از این بی‌نظمی سوء استفاده کرده و مقادیر زیادی مواد مخدر به داخل خاک ایران وارد می‌نمایند.» (کیهان - ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

این اولین بار نیست که مقامات مسئول کشور پرده از فعالیت ضدانقلابیون افغانی در ایران می‌دارند. ولی با اینکه ظاهراً روشن است که ضدانقلابیون افغانی در چه طوطه بزرگی علیه انقلاب شرکت دارند، هنوز متأسفانه در مورد آنها تدابیر جدی اتخاذ نشده است.

سرمایه‌داران غارتگر همه‌چنان قیمت‌ها را بالا می‌برند

سرمایه‌داران غارتگر ظرف یک روز، با افزایش ۲۵ درصد بر قیمت «چراغ علاءالدین»، مشکل جدیدی برای زحمتکشان - که این چراغ، وسیله پخت و پز و ایجاد گرما برای آنان است - ایجاد کرده‌اند. دادستان انقلاب اسلامی تهران ویژه امور صنایع، با صدور اطلاعیه‌ای در این مورد اعلام کرده است:

«افزایش ۴۵ درصد بهای علاءالدین بدون اجازه مقامات ذیصلاح، غیرقانونی بوده و لازم است که برگشت قیمت آن از طریق رسانه‌های گروهی اعلام شود.» (کیهان - ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

هرچند که هنوز سرمایه‌داران غارتگر بازگشت قیمت علاءالدین را اعلام نکرده‌اند، ولی تازه با این اعلام هم مسئله حل نخواهد شد. تا وقتی که سرمایه‌داران بزرگ امرمهای بازار را در اختیار دارند، بطور تصاعدی قیمت‌ها را بالا خواهند برد و به بهای غارت آخرین دینارهای زحمتکشان، فریب و فریبه‌تر خواهند شد. باید این امر را، با ملی کردن بازرگانی خارجی، از سرمایه‌داران بزرگ گرفت.

شناخت دوستان و دشمنان...

بقیه از صفحه ۱

و «جاده صاف کن‌های» آن شناخته شده است، ولی متأسفانه باید گفت که همین اوقیات از سوی همه نیروهای داخلی طرفدار انقلاب، هنوز، آنچنان که باید، شناخته نشده‌اند.

منظره کلی شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب

منظره کلی شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب، از سوی نیروهای داخلی مخالف طرفدار را میتوان چنین ترسیم کرد: نیروهای داخلی مخالف انقلاب، نیروهای متحد خارجی خود را در چهره امپریالیسم آمریکا، دولتهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و کانادا، دولت مائوئیستی چین و همچنین دولتهای و نیروهای دست‌نشانده و یا متحد امپریالیسم از یکسو، و جنبه ضدامپریالیستی هوادار انقلاب ایران را در چهره کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورها و نیروهایی که علیه امپریالیسم مبارزه میکنند، از سوی دیگر، یخویی شناخته‌اند.

اما نیروهای داخلی انقلابی، دشمن اصلی - امپریالیسم آمریکا را میشناسند و میتوان گفت خوب میشناسند. ولی برخی از نیروهای انقلابی، متحدان امپریالیسم آمریکا را، دولتهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و کانادا و چین مائوئیستی را، بعنوان دشمنان سرسخت انقلاب ایران، هنوز به قدر کافی نمی‌شناسند، دولتهای و نیروهای فرمانبردار امپریالیسم را کم‌می‌شناسند و دوستان انقلاب را یا خیلی کم می‌شناسند و یا اصلاً نمی‌شناسند و یا حتی آنها را هنوز دشمن می‌انگارند.

اینجا نقاط ضعف سیاسی بزرگی برای نیروهای انقلابی است، که مخالفان انقلاب از آنها بشیوه‌های مختلف بهره‌برداری میکنند. به برخی از این شیوه‌ها یا اختصار اشاره می‌کنیم:

کوشش برای مغدوش کردن مرز بین دوستان و دشمنان خارجی انقلاب

کوشش در جا انداختن این پندار که گویا دولتهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و کانادا چندان هم دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیستند، آنها خود زیر فشار و «زیر تهدید ابرقدرتها» هستند و، در نتیجه، «ما یک زمینه مشترک با ژاپن و اروپا داریم» و بنابراین ما میتوانیم و باید روابط خود را با آنها بر این مبنا که «آنها به منابع انرژی ما احتیاج دارند و ما به تکنولوژی آنها»، گسترش دهیم. این کوششی است در جهت گشودن «پنجره‌ای» که از آن، ابتدا انحصارات و دولتهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و کانادا وارد شوند، که قهراً منجر به بازگشت تدریجی امپریالیسم آمریکا نیز خواهد شد.

کوشش در جا انداختن این پندار که گویا برقراری و گسترش مناسبات با اتحاد شوروی، افتادن در «دامن» این کشور است. هشدار میدهند که باید توجه داشت، ضمن مبارزه با امپریالیسم آمریکا، به «دامن روسیه» نیفتاد، زیرا که این «روسیه» نیز سوسیالیست امپریالیسم است، که در آن «تزارهای نوین» یا طبقه استثمارگر نوینی حکومت میکند و لذا استثمارگری نظیر یا شبیه آمریکاست، با «دامنی» که، هرکس در آن بیفتد، دیگر رهائی نخواهد یافت. این کوششی است در جهت معانعت از برقراری مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی، معانعت از تحقق حمایت اتحاد شوروی از انقلاب ایران، یعنی اجرای «خط برژینسکی»، که هدفش تضعیف «رژیم خمینی» و شکستن آنست.

کوشش در جا انداختن این پندار که گویا هیچ کشوری در جهان امروزی ما مستقل نیست و نمیتواند باشد. همه کشورهای جهان یا زیر سلطه ابرقدرت آمریکا و یا زیر سلطه ابرقدرت «روسیه» قرار دارند. مصر در دوران ناصر زیر سلطه «روسیه» افتاده بود، چنانکه مصر در دوران سادات زیر سلطه آمریکا است. لیبی دیروز زیر سلطه آمریکا بود و امروز زیر سلطه «روسیه» قرار گرفته است. کشور مستقلی نتواند، که نخواهد یافت. این کوششی است که میتواند یا باعث انزوی کامل ایران گردد، و در نتیجه، زمینه شکست انقلاب را فراهم کند، و یا قبح برقراری مناسبات با کشورهای زیر سلطه امپریالیسم را بزاید و، در نتیجه، «دریچه‌ای» ابتدا برای ورود عمال امپریالیسم، و سپس خود امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، بکشاید.

کوشش در جا انداختن این پندار که گویا میتوان با دیگر کشورهای «جهان سوم» جنبه مشترکی علیه «دو ابرقدرت» بوجود آورد. کوشندگان اشاعه این پندار، نیک میدانند که هیچیک از کشورهای سوسیالیستی برخوردارند، حاضر به جنبه‌گیری بر ضد اتحاد شوروی نیستند، چون به تجربه دریافته‌اند که این حمایت‌بی‌شائبه است، کمترین خدشه‌ای به استقلال آنها وارد نمی‌آورد که سهل است، عامل کمکی نیرومندی است برای حفظ و تحکیم استقلال آنها در مبارزه بر ضد امپریالیسم. پس «جنبه مشترک» در واقع و در عمل به معنای گسترش مناسبات با کشورهای زیر سلطه امپریالیسم، یا گشودن همان «دریچه‌ای» است که در بالا ذکر آن رفت.

کوشش در جا انداختن مفهوم «دوری یکسان» از «دو ابرقدرت» در شعار «نه شرقی و نه غربی»، و تهی کردن مفهوم «استقلال» و «بهره‌گیری» از هرگونه وابستگی، از این شعار. اگر شعار «نه شرقی و نه غربی»

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

بیانگر سیاستی برای حفظ و تحکیم استقلال و بهره‌گیری از هرگونه وابستگی باشد، شعار درستی است. چنین سیاستی در عمل سیاستی ضد امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، خواهد بود، چون تحقق آن نسبت به اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی تحصیل حاصل است، زیرا که سیاست این کشورها نه فقط در جهت سلطه‌جویی و نفوذ استقلال دیگر کشورها نیست، بلکه برعکس، در جهت کمک به دیگر کشورها برای رهائی از زیر سلطه امپریالیسم و کسب و تحکیم استقلال است. کوشش در جا انداختن مفهوم «دوری یکسان» و «مبارزه یکسان» با «دو ابرقدرت»، کوششی است در جهت معانعت از برقراری و گسترش مناسبات دوستانه یا اتحاد شوروی، معانعت از حمایت عملی اتحاد شوروی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که تحقق همان خط سیاسی آمریکا معروف به «خط برژینسکی» است.

با اندک دقتی میتوان بروشنی دید که منشاء همه این شیوه‌ها «تئوری» امپریالیستی - مائوئیستی «دو ابرقدرت» و «سه جهان» است، که برای بدنام کردن سوسیالیسم و اتحاد شوروی، جدا کردن کشورها و جنبشهای ضد امپریالیستی از متحد طبیعی آنها - کشورهای سوسیالیستی - برای شکستن انقلابهای رهائی‌بخش ساخته شده است. هرگاه مترسک «خطر شوروی» را هم که دستکاه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم همواره با باد تبلیغات دروغین پاهتزاز درمی‌آورد، بر این «تئوری» و شیوه‌های اجرای آن بیفزاییم، آنگاه بهتر و آشکارتر میتوانیم دریابیم که، تمامی فعالیتهای تبلیغاتی - سیاسی امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، برای سرکوب جنبشهای استقلال‌طلبانه و انقلابیهای استقلال‌طلبانه همه خلقها در سراسر جهان، روی محور شوروی‌ستیزی می‌چرخد، زیرا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بزرگترین نیروی مدافع و حامی خلقها در میدان مبارزه ضد - امپریالیستی است، زیرا هر کشور مستقل و هر جنبش و انقلاب ضد امپریالیستی، که از این حمایت برخوردار شود، شکست ناپذیر میگردد، و برعکس، هر کشور و هر جنبش و انقلاب ضد امپریالیستی، که از این حمایت محروم گردد، شکست‌پذیر می‌شود.

دوستان انقلاب: همه کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی

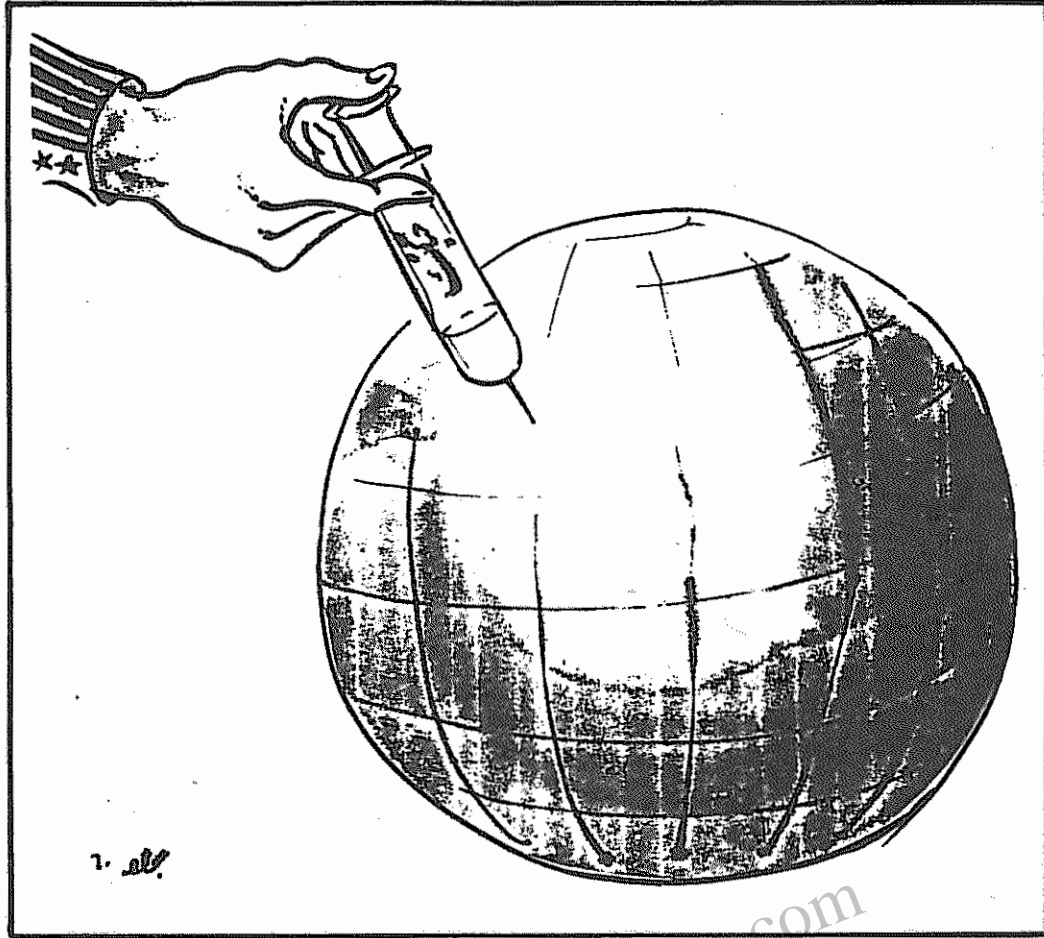
از اینروست که شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، اهمیت سرنوشت‌ساز کسب میکند، ضرورت مبرم انقلابی، وظیفه ضرورت و مبرم انقلابی است. بنظر ما، هر نیروی انقلابی راستینی که دچار پیشداوری ضد شوروی نباشد و یا بتواند عینک این پیشداوری را از چشم خود بردارد، میتواند، با یک نگاه گذرا به موضعگیری همه کشورهای خارجی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بروشنی ببیند که اتحاد شوروی و همه کشورهای سوسیالیستی متحد و هم‌رزم اتحاد شوروی، همه کشورهای که استقلال خود را کسب کرده‌اند و در مبارزه بر ضد امپریالیسم از پشتیبانی و کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برخوردارند، پشتیبانان صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌اند و همواره دست دوستی بسوی ما دراز کرده‌اند. این دیگر بر ماست که این دست دوستی را بفشاریم و با همه این کشورها مناسبات، هرچه ممکن است و بهر اندازه که لازم است، گسترده‌تر و همه‌جانبه‌تر برقرار کنیم. به نظر ما، این یکی از عمده‌ترین مسائل گره‌افزای انقلاب است، که متأسفانه هنوز حل نشده است و باید حل گردد.

این نظر ماست. برای تخطئه این نظر و برای جلوگیری از اتخاذ سیاستی در جهت برقراری و گسترش مناسبات دوستانه با کشورهای دوست انقلاب است که مخالفان انقلاب بما (به حزب توده ایران) بر چسب «وابستگی» می‌زنند، ولی این اتهام کثیفی بیش نیست. ما وابسته نیستیم، ما کمترین وابستگی به هیچ کشوری، از جمله به کشور اتحاد شوروی نداریم. و نه فقط ما، هیچ حزب اصیل کارگری بیرو آموزش سوسیالیسم علمی، کمترین وابستگی به هیچ حزب و دولت دیگری ندارد. اگر ما مصرانه خواستاریم که نیروهای انقلابی راستین باید دوستان خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بشناسند، اگر ما مکرر تکرار می‌کنیم که باید مناسبات دوستانه و کاملاً برابر حقوق و بر مبنای مصالح و سود متقابل با کشورهای دوست و از جمله و بویژه با اتحاد شوروی برقرار کرد، بخاطر اینست که ما خواستار صدیق استقلال تام و تمام کشور عزیزمان ایران، خواستار حفظ انقلاب در برابر دسیسه‌های امپریالیستی، بسرکردگی آمریکا، خواستار ایجاد امکان برای سازندگی ایرانی مستقل، آزاد، آباد و نیرومند هستیم. ما حقایق را میگوئیم و معتقدیم که سرانجام حقیقت و واقعیت، هم پرده دروغ مغرضانه را می‌برد و هم دود پندارها و پیشداوریها را پراکنده میکند.

بیش از دو سال از پیروزی انقلاب بزرگ خلق قهرمان ایران می‌گذرد. به نظر ما، این مدت برای شناخت دوستان خارجی انقلاب از سوی نیروهای انقلابی راستین، مدت کمی نیست. باید به روند شناخت دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شتاب بیشتری داد. جمهوری اسلامی ایران، که قهراً نمیتواند بی‌نیاز از برقراری مناسبات با دیگر کشورها باشد و طبعاً بایستی دوستان و دشمنان خارجی انقلاب را از یکدیگر تفکیک کند، باید دشمنان را بجای دوستان و بالعکس دوستان را بجای دشمنان نگیرد، مناسبات خارجی خود را با دوستان برقرار کند، این مناسبات را، هر قدر ممکن است و هر قدر لازم است، گسترش دهد، تا در نبرد سرنوشت‌ساز، که با امپریالیسم در پیش دارد و برای مدت درازی در پیش دارد، نیرومندتر و نیرومندتر گردد.

آری، به نظر ما شناخت دوستان و دشمنان خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، ضرورت مبرم انقلابی، وظیفه ضرورت و مبرم انقلابی است.

گسترش دامنه تجاوز اسرائیل در لبنان با پشتیبانی امریکا، صلح و امنیت این منطقه را با خطری جدی روپرو کرده است



در سال ۱۹۶۷ اسرائیل در مسافت ۹۰ کیلومتر با لبنان هم مرز بود. پس از جنگ ۱۹۶۷ میان اسرائیل و کشور های عربی، این مرز به ۱۳۰ کیلومتر رسید، یعنی بخشی از مرز سوریه و لبنان در جنوب شرقی این کشور تحت کنترل اسرائیل قرار گرفت.

تجاوز اسرائیل علیه لبنان از سال ۱۹۶۸ آغاز شد. در این سال اسرائیل ۲۵ کیلومتر از سرزمین لبنان، از آن جمله پنج آبادی در جنوب لبنان را تصرف کرد. در جنوب لبنان ۲۰۰ هزار نفر فلسطینی زندگی می کنند که در هفت اردوگاه به سر می برند. دو اردوگاه در سعدیه، یک اردوگاه در نابتیه و چهار اردوگاه دیگر در اطراف منطقه تیر.

در سال ۱۹۶۷، یعنی سال جنگ اعراب و اسرائیل، حملات هوایی اسرائیل به لبنان، به بهانه وجود اردوگاه های فلسطینی، در جنوب لبنان آغاز گردید. علاوه بر این، اسرائیل چند بار به جنوب لبنان تجاوز کرد. پس از جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ و به ویژه از سال ۱۹۷۶ به بعد و پس از ورود واحدهای نظامی سوریه به این منطقه، اسرائیل کمک های نظامی خود به گروه های راست گرا در لبنان را آغاز کرد.

در سال ۱۹۷۸، اسرائیل سرزمین های جنوب رود لیطانی غیر از منطقه تیر را اشغال کرد، اما در نتیجه فشار از جانب سازمان ملل متحد و مقاومت اهالی این منطقه، ناگزیر به ترک این منطقه شد و نوار مرزی منطقه اشغالی را در اختیار گروه تروریستی سرهنگ سعد حداد قرار داد. در این سال، پس از حمله اسرائیل به لبنان، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد به لبنان اعزام شدند. سرهنگ سعد حداد سرزمینی به وسعت ۹۰۰ کیلومتر مربع را، که شامل ۴۱ قریه با ۱۵۰ هزار نفر سکنه بود، "لبنان آزاد" اعلام کرد. اما بسیاری از اهالی این منطقه، در نتیجه رفتار خشونت آمیز و قتل و غارت تروریست های گروه سعد حداد، از این منطقه فرار کردند و در حال حاضر سکنه آن نزدیک به ۶۰ هزار نفر است. پس از اشغال نوار مرزی لبنان از جانب گروه تروریستی سرهنگ سعد حداد، توطئه ها و تحریکات اسرائیل در جنوب لبنان گسترش یافت و گروه های راست گرا در این کشور مورد حمایت اسرائیل قرار گرفتند.

در آذرماه سال ۱۳۵۹ واحدهای ارتش اسرائیل بار دیگر به خاک لبنان تجاوز کردند و چهار کیلومتر در خاک لبنان پیشروی نمودند. برای جلوگیری از این تجاوز، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد به حال آماده باش درآمدند. از ۲۸ آذرماه ۱۳۵۹ تاکنون، تجاوز مستمر واحدهای ارتش اسرائیل به خاک لبنان ادامه دارد و توپخانه اسرائیل به طور منظم این منطقه را زیر آتش می گیرد و هواپیماهای اسرائیلی جنوب لبنان را بمباران می کنند.

در آذرماه ۱۳۵۹، در حالی که واحدهای متجاوز اسرائیل در جنوب لبنان به عملیات گسترده ای پرداختند و دهکده های بی دفاع و اردوگاه های فلسطینی مورد حملات و بمباران های شدید نیروی هوایی اسرائیل قرار گرفتند، ژنرال دیوید جونز، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح امریکا، برای بازدید از واحدهای نظامی اسرائیل مستقر در بلندی های جولان و نوار مرزی اسرائیل و لبنان، به اسرائیل آمد. و این دیدار تأییدی بود بر حمایت دولت امریکا از تجاوز اسرائیل علیه لبنان.

شقیق وزان، نخست وزیر لبنان، در آذرماه ۵۹، در مورد تجاوز گسترده اسرائیل به خاک لبنان، طی مصاحبه تلویزیونی خود، تأکید کرد که اوضاع

انفجار آمیز لبنان ایجاب می کند که یک استراتژی هماهنگ اتخاذ شود و اوضاع کرد که در غیر این صورت ادامه این درگیری ها در جنوب لبنان، تنها به نفع رژیم اشغالگر قدس خواهد بود. وی گفت که اسرائیل از این اوضاع همواره مانند برگ برنده ای استفاده کرده است.

روزنامه "الشعب" در تفسیر خود پیرامون اوضاع لبنان نوشت: "نیروهای محافظه کار مسیحی قصد دارند نیروهای سوریه را وادار به عقب نشینی از لبنان کنند، تا بدین وسیله به نیروی اشغالگر قدس امکان داده شود که سلطه خود را بر سراسر خاک لبنان مستقر کند."

تجاوز نیروهای مسلح اسرائیل در آذرماه ۱۳۵۹ چنان وضع انفجاری در این منطقه پدید آورد که صلح و امنیت این منطقه را به خطر انداخت و احتمال درگیری نظامی مستقیم میان واحدهای متجاوز اسرائیل با نیروهای مسلح سوریه را تشدید کرد. در آن زمان سفیر اتحاد شوروی در لبنان، طی مصاحبه ای با خبرنگار روزنامه "القبس" اظهار داشت که اگر دولت اسرائیل عملیات تجاوزی گسترده علیه واحدهای نظامی سوریه و لبنان را ادامه دهد، اتحاد شوروی، با توجه به پیمان دوستی و همکاری سوریه و اتحاد شوروی، نسبت به چنین تجاوزی بی تفاوت نخواهد بود.

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، با توجه به اوضاع متشنجی که بر اثر تجاوز اسرائیل در آذرماه ۱۳۵۹ پدید آمده بود، به پیمان دوستی و همکاری سوریه و اتحاد شوروی اشاره کرد و گفت: "این پیمان در جهت منافع خلق های عرب است." وی افزود: "توجه به اوضاع کنونی این منطقه است که پیمان دوستی و همکاری سوریه با اتحاد شوروی از اهمیت بسیار فوق العاده ای برخوردار است."

بحران لبنان نتیجه مستقیم تجاوز اسرائیل به پشتیبانی امریکا است

بدین ترتیب اوضاع فوق العاده

و خیمی که اکنون در لبنان پدید آمده، از نتایج مستقیم تجاوزهای بی دریغی واحدهای ارتش اسرائیل و بمباران های هوایی آن علیه لبنان است که از آذرماه ۵۹ به بعد با شدت و گسترش روز به روزی انجام گرفته است. دولت صهیونیستی اسرائیل علاوه بر تجاوز نظامی به خاک لبنان و دیگر اقدامات تروریستی و توطئه گرانه علیه رزمندگان جنبش آزادی بخش فلسطین و نیروهای بازدارنده سوریه، فعالیت شبکه های جاسوسی خود را در سرزمین لبنان گسترش می دهد و تلاش دارد که به وسیله عمال و جاسوسان خود در داخل خاک لبنان، نفاق و تفرقه و درگیری های مسلحانه میان گروه های مختلف اهالی این کشور را دامن زند.

دری ماه سال ۱۳۵۹، طبق اطلاعیه رسمی سازمان آزادی بخش فلسطین، یک شبکه جاسوسی موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) و "سیا" امریکا در بیروت کشف شد. در این اطلاعیه، که در روزنامه "الرای العام" منتشر شد، خاطر نشان شده است که رهبر این شبکه با چمبرلین، یکی از کارمندان سفارت امریکا، در بیروت بوده است.

عمال این شبکه جاسوسی چند نفر را به قتل رسانیده و سعی داشته اند که در سازمان آزادی بخش فلسطین و نیروهای ملی و میهن دوست لبنان نفوذ کنند. این جاسوسان نقشه موسسات صنعتی و محل استقرار واحدهای بازدارنده سوریه و تأسیسات نظامی لبنان را از طریق سفارت امریکا برای بمباران و هدف آتش توپخانه در اختیار اسرائیل می گذاردند.

کشف این شبکه جاسوسی، به رهبری یکی از کارمندان رسمی سفارت امریکا، بار دیگر ریاکاری دولت امریکا را که تلاش دارد در صورت ظاهر، خود را هوادار کاهش تشنجات و درگیری ها در لبنان نشان دهد، فاش کرد و این واقعیت را تأیید نمود که تجاوزات گسترده واحدهای ارتش اسرائیل به لبنان و بمباران اردوگاه های فلسطینی در این منطقه، طبق نقشه هماهنگ و توافق یافته میان دولت صهیونیستی اسرائیل و دولت امریکا انجام می گیرد. زیرا هدف های نظامی و استراتژیک امپریالیسم امریکا با سیاست تجاوز -

گرانه و توسعه طلبانه دولت صهیونیستی اسرائیل در این منطقه مطابقت دارند. پس از خیانت رژیم سادات به آرمان های خلق های عرب و امضای موافقت نامه های کمپ دیوید، به مثابه سند تسلیم در برابر تجاوز و سیاست توسعه طلبانه اسرائیل، امپریالیسم امریکا و اسرائیل، سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین را هدف تجاوز توطئه های خود قرار دادند. امریکا، اسرائیل و رژیم سادات از راه فشارهای نظامی، توطئه و تحریک تلاش کردند که سوریه را مجبور سازند به موافقت نامه کمپ دیوید بپیوندند و راه تسلیم طلبانه انور سادات را در پیش گیرند. از سوی دیگر از جانب امپریالیسم امریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل همواره تلاش شده است که سازمان آزادی بخش فلسطین، بگانه نماینده واقعی و برحق خلق عرب فلسطین، از صحنه سیاست و مناقشات خاورمیانه محو شود، تا مسئله آزادی سرزمین های اشغالی و تشکیل دولت ملی و مستقل خلق فلسطین، که مورد حمایت و تأیید اکثریت قریب به اتفاق دول و خلق های جهان است، منتفی شود. به همین علت است که تمام تجاوزات نظامی اسرائیل و ترفند های سیاسی امریکا و اسرائیل، علیه سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین انجام می گیرد.

جنبه پایداری - عامل مقاومت در برابر توطئه مشترک امریکا - اسرائیل

امروز سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین و به طور کلی کشورهای عضو جنبه پایداری بزرگ ترین مانع در راه اجرای نقشه های تجاوزی امریکا و سیاست توسعه طلبانه دولت صهیونیستی اسرائیل در منطقه خاورمیانه هستند. سوریه، سازمان آزادی بخش فلسطین و لیبی با پیگیری و قاطعیت در سیاست ضد امپریالیستی و پایداری در برابر تجاوز توسعه طلبی اسرائیل، در انسجام و استحکام جنبه متحد ضدا امپریالیستی

خلق های عرب و به طور کلی خلق های این منطقه، نقش موثر و برجسته ای دارند و مانع بزرگی بر سر راه استقرار مجدد سلطه امپریالیسم امریکا در این منطقه هستند.

دو ماه پیش، الکساندر هیگ، وزیر امور خارجه امریکا، به این منطقه مسافرت کرد و از اسرائیل و تعدادی از کشورهای عربی وابسته به امریکا دیدار کرد. مقدمات تشنجات کنونی لبنان، که در نتیجه گسترش عملیات تجاوزی اسرائیل علیه لبنان تشدید گردیده، در این مسافرت آماده شد، و اکنون دامنه این تشنجات تا جایی توسعه یافته، که خطر درگیری نظامی مستقیم میان اسرائیل و سوریه را به وجود آورده است. این درگیری در صورت وقوع می تواند به سراسر منطقه گسترش یابد و به درگیری نظامی بزرگی به مقیاس منطقه تبدیل شود.

پس از مسافرت الکساندر هیگ، وزیر امور خارجه امریکا، فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه رئیس جمهور امریکا، به این منطقه آمد. دولت امریکا باروانه کردن فرستاده های خود، یکی پس از دیگری، تلاش دارد که خود را تکران اوضاع متشنج این منطقه نشان دهد، در حالی که عامل عمده این تشنجات، توطئه ها و تحریکات خود امریکا در این منطقه و حمایت و پشتیبانی بی چون و چرای دولت امریکا از سیاست تجاوزگرانه و توسعه طلبانه دولت صهیونیستی اسرائیل در این منطقه است.

مسافرت فیلیپ حبیب نیز، که گویا به منظور کوشش برای کاهش وخامت اوضاع این منطقه انجام گرفته، همان هدف تضعیف مواضع جنبه پایداری و هموار تر کردن راه تجاوز نظامی اسرائیل علیه لبنان و سوریه و دیگر کشورهای مستقل ملی این منطقه را دنبال می کند. تمام تلاش فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه ریگان، در این زمینه بود، تا سوریه را وادار سازد که موشک های ضد هوایی سام، یعنی یگانه سپر دفاع ضد هوایی را از خاک لبنان بردارد، تا هواپیماهای اسرائیل بتوانند بی مانع به پروازهای اکتشافی بر فراز لبنان و بمباران اردوگاه های فلسطین در خاک لبنان ادامه دهند.

عبدالحلیم خدام، وزیر امور خارجه سوریه، پس از مسافرت فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه رئیس جمهور امریکا، اظهار داشت:

"سوریه تصمیم گرفته است با تحریکات نیروی اشغالگر قدس مقابله کند و قصد انتقال موشک های ضد هوایی خود از جنوب لبنان را ندارد." وزیر امور خارجه سوریه، ضمن اظهار این مطلب که، استقرار موشک های سام در منطقه بحرانی جنوب لبنان در درجه اول جنبه دفاعی دارد، یادآور شد که:

"سوریه تسلیم باج خواهی و زور - گویی رژیم اشغالگر قدس یا نیروهای دیگری نخواهد شد." یک مقام عالی رتبه لبنانی، در گفتگویی با خبرنگاری کویت، اظهار داشت:

"مرحله نخست ماموریت فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه رئیس جمهور امریکا، با شکست مواجه شده است."

کشورهای سوسیالیستی - پشتیبان جنبه پایداری و جنبش آزادی بخش ملی عرب

وضع بحرانی که در نتیجه تجاوزات بقیه در صفحه ۶

وزارت بازرگانی باید از کارشکنی سرمایه‌داران بزرگ در امر توزیع پروفیل جلوگیری کند!

چندی پیش وزارت بازرگانی به منظور تقسیم پروفیل بین کارگران و معزله‌داران جوشکار در تهران و شهرستان‌ها، دست به اقداماتی زد. براساس تصمیمات این وزارتخانه، مقرر شد که کارگران جوشکار به گروه‌های شانزده نفری تقسیم شوند و به هر یک از آنان ماهانه یک تن پروفیل داده شود، تا بدون واسطه به آن دست‌رسی پیدا کنند.

این اقدام وزارت بازرگانی با استقبال کارگاه‌های جوشکاری و در و پنجره‌سازی روبرو شد. متأسفانه در این مورد اشکالاتی پدید آمده است که می‌تواند این برنامه را در آینده با ناکامی مواجه سازد. مسئله از این قرار است که سرمایه‌داران بزرگ و کارخانجات داران سخت با این برنامه وزارت بازرگانی مخالفت و علیه آن کارشکنی می‌کنند. ناگفته نماند که هنوز هم مقدار قابل توجهی پروفیل بصورت قاچاق در بازار موجود است، و از سوی سرمایه‌داران بزرگ در زمینه توزیع پروفیل بین کارگاه‌های کوچک، کارشکنی‌هایی به عمل می‌آید.

بعلاوه در کارخانه‌ها افرادی هستند که در امر واگذاری پروفیل به سرمایه‌داران بزرگ، با دریافت حق کمیسیون محرمانه، مبالغ کلانی به‌جیب می‌زنند، که با توجه به مسئله تقسیم عادلانه پروفیل بین واحدهای کارگری کوچک، به سودپرستی آنان لطمه وارد شده است. این افراد دلال سودجو بخاطر منافع شخصی خود، به انضاق سرمایه‌داران بزرگ در کار تقسیم پروفیل کارشکنی می‌کنند، تا بتوانند احتمالاً نظام تازه شکل گرفته تقسیم پروفیل را برهم زنند و کارهای توزیع پروفیل را از دست کارگران خارج کنند.

علت اینکه کارخانه‌های تولید کننده پروفیل، پروفیل‌های سبک تولید نمی‌کنند، دقیقاً در ارتباط با خصلت عمومی سرمایه‌است، یعنی سود هر چه بیشتر، برای مثال ماشین آلات خط تولید را بجای تولید پروفیل سبک به تولید پروفیل سنگین، که قیمت وزنی آن در بازار با قیمت پروفیل سبک چندین تفاوتی ندارد، اختصاص می‌دهند.

در حال حاضر دو اتحادیه‌ویک شرکت تعاونی توزیع آهن وجود دارد، ولی متأسفانه هیچ‌یک از اتحادیه‌ها و شرکت تعاونی سودی برای مصرف‌کننده در بر ندارند. بدون اغراق باید گفت که چهارصد تریلی آهن توزیع شده است، اما حتی ده نفر از مصرف‌کنندگان نتوانسته‌اند آهن مورد نیاز خود را به بهای قانونی تهیه کنند، زیرا اناراحتی و سرگردانی‌هایی که در جریان توزیع حاصل می‌شود، عملاً کار را چنان دشوار کرده است که مصرف‌کننده از دست‌یابی به آهن به قیمت قانونی منصرف می‌شود و خریدگران تر آنرا ترجیح می‌دهد.

وزارت بازرگانی باید امر توزیع آهن و پروفیل را خود بدست گیرد و با شدت هر چه تمامتر با واسطه‌ها و سرمایه‌داران بزرگ مبارزه کند، تا مصرف‌کننده بتواند آهن مورد نیاز خود را با قیمتی مناسب تهیه کند.

مدیریت غیر انقلابی را از کارخانه‌ها برانید!

در حوالی محله قره‌ملک تبریز، یک کارخانه خاتمه‌سازی مجهز به ماشین آلات پیشرفته و خودکار قرار دارد. جمع کارکنان این کارخانه بالغ بر هزار و پنجاه نفر و تولید آن، خانه‌های پیش ساخته است.

بعد از پیروزی انقلاب، تولید کارخانه همیشه سیر نزولی داشته است و حقوق کارکنان آن تا اخیر پرداخت می‌شود. علت عمده این عوارض را باید در ضعف و کارشکنی مدیریت جستجو کرد.

یکی از نمونه‌های مشخص فعالیت مدیریت در این کارخانه مورد زیر است:

سال گذشته، کارگران با درک محدودیت‌ها و احساس مسئولیت، ضرورت شکیبایی و با احساس مسئولیت، از دریافت عیدی خودداری ورزیدند. اما بعد از مدتی معلوم شد که عیدی کارگران از طرف مدیریت بین چند نفر محدود تقسیم شده است. کارگران با اطلاع از این مسئله، آنرا با مقامات مسئول در میان گذاشتند و در نتیجه، مدیر کارخانه دستگیر شد.

مورد بالا هشدار است به مسئولین، تا هشیاری خود را در بر-گماری مدیران افزایش دهند. ما بازم تکرار می‌کنیم: اعمال مدیریت انقلابی در کارخانه‌ها یک ضرورت درنگ‌ناپذیر است و ما همه در آن به سود ضد انقلاب، مسلماً وجود یک مدیریت انقلابی اجازه کاهش منظم سطح تولید را نمی‌داد. گذشته از آن، امکان سوءاستفاده از حقوق ابتدایی کارگران نیز به وجود نمی‌آید. انقلاب نمی‌تواند و نباید در این درگیری‌ها بی‌طرف بماند. فقط در مقام دفاع از زحمتکشان، پایه‌های انقلاب در خانه‌های کار و تلاش استوار می‌شود و ضد انقلاب می‌گریزد.

جواب مثبت به خواست‌های بحق کارگران! ضرورت انقلاب است!

با توافق مدیرعامل، نماینده وزارت کار و نمایندگان کارگران، در کارخانه تهران کمیال به کارگران فوق‌العاده دوری راه و بدی آب و هوا پرداخت می‌شود.

شورای کارگران کارخانه تهران کمیال در سال ۱۳۵۸ از مدیریت کارخانه خواست تا به کارگران درازای بدی آب و هوا و دوری راه، فوق‌العاده‌ای پرداخت شود. این خواست کارگران در آن زمان از طرف مدیریت کارخانه به علت کمبود تولید، به عقب افتاد. اما مدیریت تضمین کرد که به محض رسیدن تولید به حد لازم، خواست کارگران را عملی کند.

به دنبال رسیدن تولید به حد لازم، در تاریخ ۱۶/۱/۶۰ جلسه‌ای با شرکت مدیرعامل کارخانه، نمایندگان کارگران و نماینده وزارت کار برگزار شد. پس از تبادل نظر بین طرفین، تصویب شد که از فروردین سال ماهیانه به هر یک از کارگران کارخانه مبلغ ۶۰۰۰ ریال برای بدی آب و هوا و دوری راه پرداخت شود.

امیدواریم مورد فوق، که نشان دهنده برخورد صحیح از هر دو طرف است، در حل دیگر مشکلات نیز نمونه و الگو قرار گیرد. با این گونه برخورد‌های اصولی، نه تنها دست‌زد انقلاب برای تفرقه‌افکنی و ایجاد تشنج بسته می‌شود، بلکه کارگران نیز در امر تولید تشویق و یاری می‌شوند.

همه کارگران شهرداری سواب باید رسمی شوند!

شدیداً یکبار به ما گفتند که دیگر سرکار نیابید، ولی ما به کار ادامه دادیم. ما مجبوریم کار کنیم، چون هر کدام باید مخارج هفت-هشت نفر را تامین کنیم. ما حتی به اداره کل امور مالی و اداری استانداری شکایت کرده‌ایم. اخیراً نامه‌ای از آنجا به شهرداری نوشته شده و قرار شده است حقوق معوقه و همچنین عیدی ما پرداخت شود، ولی باز هم شهرداری مانع این کار شده است. در مورد وضع بیمه‌ها پرسیدیم.

گفت: "به هریک از ما ماهیانه بر روی هم حدود ۲۲۵۰۰ ریال حقوق می‌دهند. هر ماهه مبلغ هزار و سیصد ریال بابت بیمه از حقوق ما کسر می‌شود. در مقابل به ما دفترچه سفیدی داده‌اند که هیچ پزشکی به آن توجه نمی‌کند و اصولاً هیچ جا بابت دفترچه ما را تحویل نمی‌گیرند. ما مجبوریم پول پزشک و دارو را از حقوق ناچیز خود بپردازیم. در حال حاضر سه نفر از ما دوازده نفر در جبهه هستند. حال نمی‌دانیم پس از مراجعت از جبهه می‌توانند به کار خود ادامه دهند یا خیر؟"

خواست‌های عادلانه کارگران شهرداری سراب بدون تردید قانونی است و باید مورد توجه شهرداری سراب قرار گیرد. بی‌اعتنایی به خواست‌های بحق کارگران زمین‌برای سوءاستفاده عناصر ضدانقلاب فراهم می‌کند، که به هیچوجه به نفع انقلاب نیست.

در شهرداری سراب هفتاد نفر کارگر دائمی کار می‌کنند. دوازده نفر از آن‌ها کار خود را از سه سال پیش آغاز کرده‌اند، ولی هنوز حکم رسمی بدست آن‌ها ندادند. این دوازده نفر طی سه سال گذشته درد ورنج فراوان و کمر-شکنی را تحمل کرده‌اند. در یک کلمه می‌توان گفت که از هر نوع مزایایی محرومند. آن‌ها حتی حقوق روزهایی را هم که کار می‌کنند، به طور کامل دریافت نمی‌کنند.

کارگران غیررسمی برای رسیدگی به خواست‌های قانونی خود سه تن را از میان خود به عنوان نماینده برای تماس با مسئولان امر انتخاب کرده‌اند. با یکی از این سه تن به گفتگو نشستیم. او گفت:

"ما سه سال است اینجا کار می‌کنیم. در این مدت ما حتی یک روز مرخصی نداشته‌ایم. حتی جمعاً هم کار نمی‌کنیم. نه عیدی داده‌اند و نه مزایایی به ما تعلق گرفته است. برای روزهای جمعه که کار می‌کنیم، نه تنها حقوق بیشتری نمی‌دهند، بلکه اصلاً حقوقی پرداخت نمی‌شود. در ماه سی روز کار می‌کنیم، ولی حقوق بیست و شش روز را به ما می‌دهند."

از او پرسیدیم: "تا بحال به چه مراجعی شکایت کرده‌اید و پاسخ آن‌ها به شما چگونه بوده است؟" گفت: "تا بحال چند بار به شهردار مراجعه کرده‌ایم، ولی تهدید به اخراج

تعطیل «شرکت ساختمانی سد» به سود انقلاب نیست

مسئله تعطیل یک واحد تولیدی، که مشکلاتی دارد، نه تنها راه حل ریشه‌ای مسئله نیست، بلکه عموماً به زیان انقلاب نیز هست. نگهداری و محکم کردن هر رشته‌ای از تولید، یکی از بیوندهای ما را با امریالیسم قطع می‌کند و تعطیل هر واحد تولیدی وابستگی ما را فزون‌تر. به این ترتیب نظر کارگران صائب است و با برنامه‌ریزی و روی کار آوردن یک مدیریت انقلابی و متعهد، می‌توان مشکلات شرکت را حل کرد.

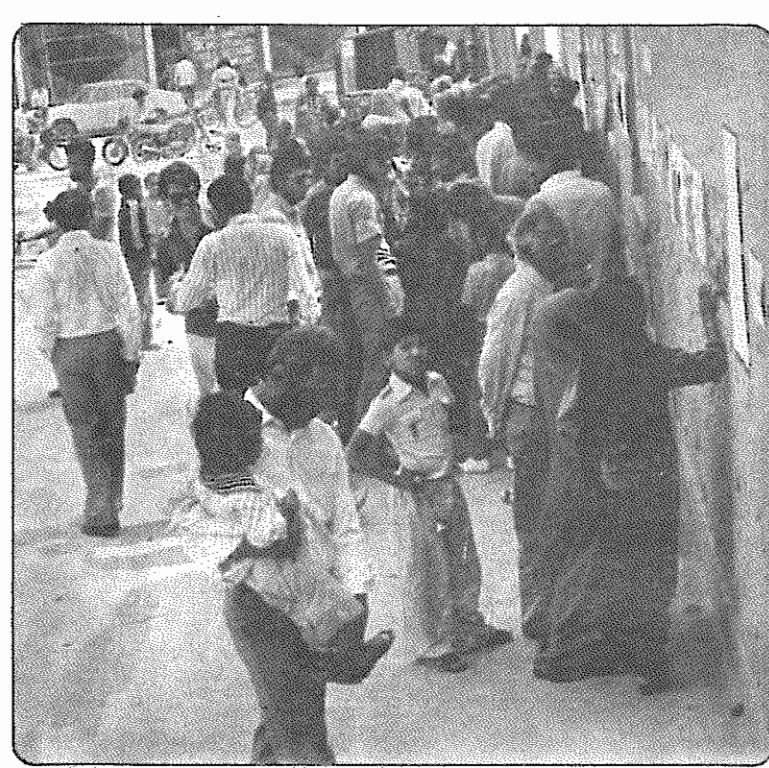
چندی پیش جلسه‌ای با حضور نمایندگان کارگران، مدیریت و بنیاد مستضعفان در شرکت ساختمانی سد برگزار شد. در این جلسه، که برای بررسی مشکلات کارخانه تشکیل شده بود، مدیریت نماینده بنیاد مستضعفان بر این باور بودند که به علت وجود مشکلاتی نظیر توقف کارها، ضرر دادن کارخانه و نداشتن بودجه، شرکت نمی‌تواند به کار خود ادامه دهد و باید منحل شود. این تصمیم با مخالفت عمومی کارگران مواجه شد. آنها معتقدند که علت ضرر کارگاه در عدم برنامه‌ریزی و ضعف مدیریت شرکت است.

بر مسئولین امر است که به مشکلات این شرکت توجه لازم را مبذول دارند.

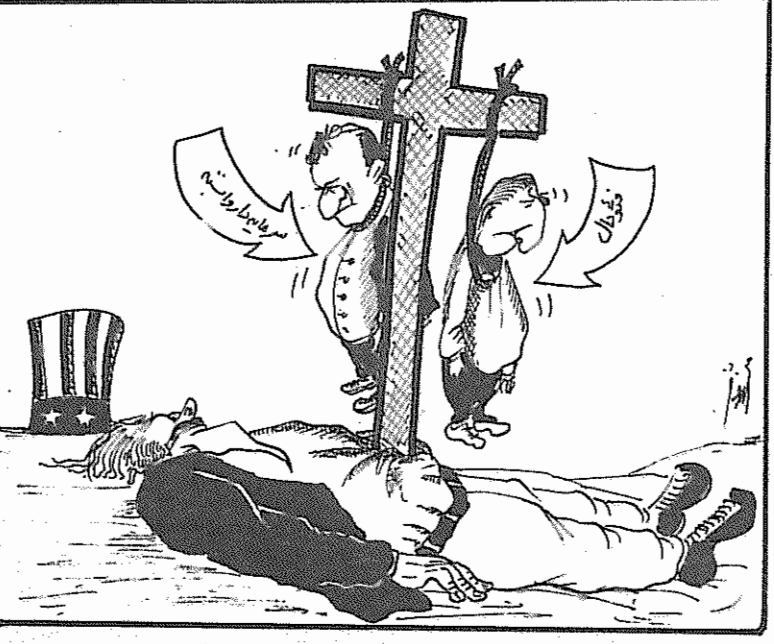
اجرای نمایش در کارخانه «سیم» مشهد، بمناسبت روز اول ماه مه

به مناسبت روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، روز پنجشنبه دهم اردیبهشت، نمایشی که توسط خود کارگران تهیه شده بود در یکی از قسمت‌های کارخانه سیم مشهد اجرا شد و مورد توجه و تشویق کلیه کارگران واقع گردید. کیفیت اجرای نمایش بخوبی نمایانگر سطح و میزان قابل توجه خلاقیت و شکوفائی طبقه کارگر در عرصه‌های گوناگون از جمله ارائه کارهای هنری است.

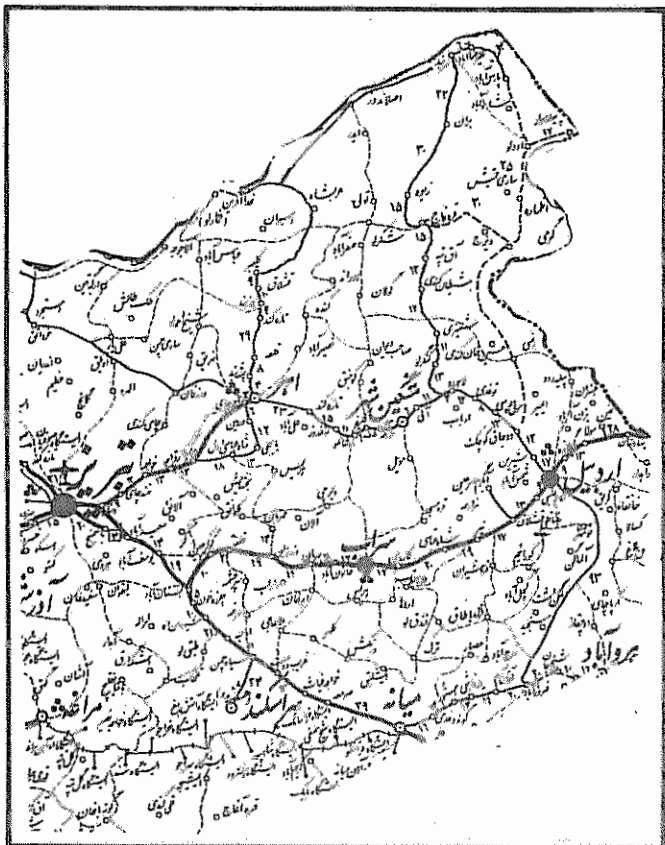
تشکیل نمایشگاه کارگری در اوز فارس



به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت ۶۰) نمایشگاهی از فعالیت جنبش کارگری ایران از طرف کارگران هوادار حزب توده ایران در اوز فارس، در کنار سالن اجتماعات (محل برگزاری مراسم اول ماه مه) برپا شد و با استقبال مردم و کارگران روبرو گردید.



ویژه روستاهای آذربایجان شرقی



ثمرین، روستای بزرگ آذربایجان،

با سنتی درخشان از مبارزه و حق طلبی، در جبهه نبرد با صدام دوشهید در راه انقلاب داده است

● دهها جوان دهقان ثمرین در جبهه علیه توطئه امریکا می‌رزمند
● سی درصد روستائیان بی‌زمین هستند و منتظر اجرای قانون

تشکیل شوراهای ده برای تمام روستاها امری است واجب، روستائیان عزیز باید در شرایط دشوار کنونی اختلافات را کنار بگذارند و شوری خود را با اتحاد و برای عملی ساختن خواست‌های مشترک خود تشکیل دهند. اهالی روستا باید توجه داشته باشند که افرادی که از میان آنها برای نمایندگی در شورا انتخاب میشوند، باید افرادی انقلابی، آگاه و دلسوز بحال آنها باشند. باید نهاییت سعی را بخرج داد، تا افرادی طاغوتی و وابسته به رژیم سابق، نماینده روستائیان زحمتکش نشوند. و بین آنها دوبهم اندازی نکنند و به اختلافات قدیمی طایفای دامن نزنند.

مسئولان دولتی انقلاب نیز موظفند که با در نظر گرفتن شرایط جنگی و دشواری کنونی، به خواست‌های روستائیان زحمتکش توجه کنند. مهم‌ترین خواست و اگزارای زمین‌های مالکان و زمینداران بزرگ، به همراه در اختیار گذاشتن امکانات کافی، مانند آب زراعی، کود، بذر، ماشین‌آلات مدرن کشاورزی و غیره است. به خاطر تقویت انقلاب باید این خواست‌ها را عملی ساخت و سنت‌های درخشان اهالی مبارز و انقلابی این روستا را به امری در خدمت انقلاب بدل کرد.

اهالی منتظرند تا جبهه سازندگی به سراغ آن‌ها نیز بیاید. اهالی مبارز و انقلابی این روستای بزرگ در زمان طاغوت علیه رژیم فاسد گذشته مبارزه بسیار کرده‌اند و سرمشقی بودند برای تمام اهالی روستاهای اطراف. اخیراً در "نامه مردم" لوح افتخار "شهیدان این ده، که در سال ۲۵ به دست مزدوران شاه به قتل رسیدند، چاپ شد.

اهالی ثمرین به اتفاق با این جنگ تحمیلی را یکی از توطئه‌های امریکا علیه انقلاب ایران می‌دانند. در حال حاضر تمام منقضی خدمات‌های ۱۵۶ روستا، که جمعا ۳ نفر هستند، به جبهه اعزام شده‌اند. از این تعداد ۲ نفر شهید و ۳ نفر زخمی شده‌اند. از طرف اهالی برای کمک به جبهه جنگ عادلانه، ۱۰۰۰ تومان پول نقد، ۶۰۰ گونی گندم، ۱۰ گونی آرد و ۱۶ گونی سیب زمینی جمع آوری و به "ستاد جمع آوری کمک به جبهه جنگ"، تحویل شده است.

این روستا شرکت تعاونی نیز دارد جوانان روستا با کوشش همه‌جانبه خود افراد طاغوتی را، که قبلاً کار تقسیم ارضی را در دست داشتند، راندند و خود کارها را بدست گرفتند. متأسفانه بعلت وجود اختلافات طایفای، شورا در این روستا هنوز تشکیل نشده است. البته جوانان این روستا برای تشکیل هر چه زودتر شورا نقش فعالی دارند، اما هنوز به نتیجه نرسیده‌اند. امید است که با کمک نهاد های انقلابی و با تکیه به هم‌شیرای و حق طلبی سنتی خود، اهالی بتوانند شورای ده را تشکیل دهند.

روستای ثمرین با ۵۰۰۰ جمعیت در ۱۸ کیلومتری اردبیل و در دامنه شرقی کوه سلان قرار دارد. راه ارتباطی این روستا بسیار خراب است و در هنگام ریزش برف باران عبور از آن به سختی انجام می‌گیرد. تقریباً ۳۰ درصد اهالی این روستا بی‌زمین هستند و هیئت ۷ نفری هنوز به این روستا نیا آمده است. دهقانان برای تأمین مخارج خود و خانواده مجبورند به روستاها و شهرهای اطراف بروند.

نبودن حمام که نتیجه سوء استفاده‌های بعضی عناصر سودجوست یکی از مشکلات روستائیان است. اهالی ده به سواد و آموزش توجه زیاد می‌کنند. اکثر جوانان این روستا با سواد هستند و تا بحال ۳۰۰ نفر از جوانان این روستا دیپلمه شده‌اند. یک باب مدرسه راهنمایی با ۲۰۰ نفر شاگرد و ۷ نفر معلم و همچنین ۲ باب مدرسه ابتدایی با ۲۲ نفر معلم و ۹۰۰ نفر دانش آموز (حدود ۲۰۰ نفر دختر هستند) در ثمرین وجود دارد.

تنها در مانگانه این روستا، علاوه بر خود اهالی، مورد استفاده اهالی روستاهای اطراف نیز قرار می‌گیرد. اما نبودن امکانات کافی، مانند دارو و آمبولانس مشکلاتی را فراهم آورده است.

از طرف "نهضت سواد آموزی"، کلاس سواد آموزی برای اهالی دایر شده است. معلمان این کلاس دونفر از جوانان دیپلمه همین روستا هستند. تأمین برق، آب لوله‌کشی آشامیدنی و آب زراعی کافی و جاده از دیگر خواست‌های مهم اهالی است.

خواست‌های اصلی اهالی روستای انزاب:

- عمل فوری وقاطع هیئت واگذاری زمین
- تأمین آب و خرید محصول دهقانان به قیمت عادلانه

خراب شده است و اهالی از نظر آب آشامیدنی دچار مضیقه شدند. در انزاب علیا یک دبستان ۵ کلاس ابتدایی وجود دارد، اما شاگردان راهنمایی به علت نبودن مدرسه راهنمایی به شهر می‌روند و بسیاری هم تحصیلات خود را نیمه‌کاره رها می‌سازند.

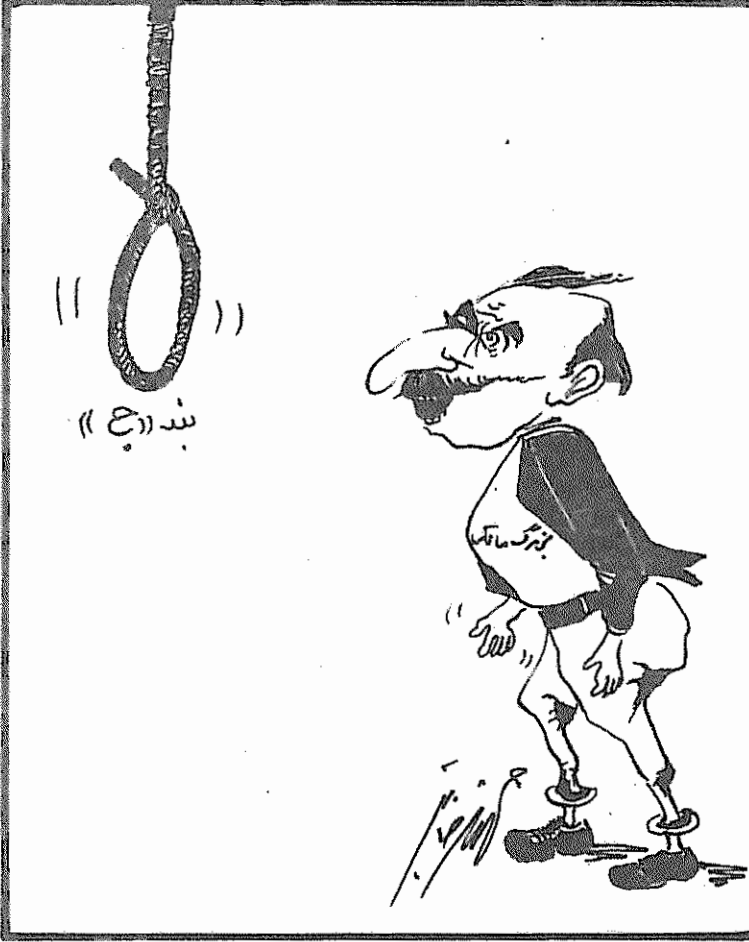
در روستای انزاب، واقع در ۶ کیلومتری شهر اردبیل، واگذاری زمین خواست مهم اهالی است. در این روستا از حدود ۲۲ خانوار ساکن، ۴۰ خانوار بی‌زمین هستند، بسیاری از دهقانان به علت نداشتن زمین جهت کار، راهی شهرها و روستاهای اطراف شده‌اند. یکی از دهقانان در این مورد می‌گفت: "دولت در هر کجا به ما زمین و خانه بدهد، ما با جان و دل در آن جا کار می‌کنیم." جاده روستا خراب است و در مانگانه در ده وجود ندارد. یک سال قبل منبع آب لوله‌کشی درست شده بود، ولی به علت عدم دقت مسئولین، منبع

دهقانان روستای تیل

توانستند با اتحاد و مبارزه به خواست اصلی خود، یعنی زمین دست یابند

زده و شکایت و خواست‌های خود را تسلیم مقامات مسئول کرده‌اند. اکثر مبارزات دهقانان تیل علیه بزرگ مالکان بوده است که عاقبت توانستند حق خود را بگیرند و صاحب زمین شوند.

واگذاری اراضی زمینداران بزرگ به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و ایجاد امکانات بهتر زندگی در روستاها خواستی است که همیشه برای روستائیان میهن‌مان مطرح بوده است. کشاورزان و روستائیان زحمتکش، که در زمان رژیم گذشته طاغوتی، جان و مال خویش را از دست رفته میدیدند، با تمام توان خود در انقلاب شرکت کردند، تا بر روی قوانین غیر عادلانه و غارتگرانه رژیم گذشته خط بطلان بکشند.



امام خمینی: از روستاهای دور افتاده می‌آیند می‌گویند که ما خانه نداریم، آب نداریم، برق نداریم، آسفالت نداریم، بهداشت نداریم و همه‌هم صحیح می‌گویند. ما دستمان را پیش تمام ملت دراز می‌کنیم و از ملت می‌خواهیم که همه دست پر اداری بهم بدهند و این جهاد سازندگی را شروع کنند.

در روستای هریس

روستای هریس در سی کیلومتری غرب شهر واقع است. (جمعیت ۲۰۰۰ نفر)

در این روستا زمین به اندازه کافی وجود دارد، لیکن کمبود آب بزرگ‌ترین مشکل روستائیان و مانعی در برابر کشت و زرع است. روستائیان هریس در این مورد می‌گویند: "رودی که از کوه‌ها سرچشمه می‌گیرد و از وسط ده عبور می‌کند، دارای محل مناسبی برای سدسازی است. در صورت سدسازی و جمع آوری آب‌هایی که در ماه‌های بارندگی هریس می‌رود، می‌توان، نه تنها مشکل آب این روستا را حل کرد و تولید محصولات را بالا برد، بلکه روستاهای پایین نیز می‌توانند از این آب استفاده کنند." روستائیان هم چنین می‌گویند: "اگر دولت کمک کند، ما نیز تا حدی که در توان داریم، حاضریم کمک‌های لازم را برای سدسازی بکنیم."

در این روستا در مجموع ۵۰۰۰ راس گوسفند وجود دارد، لیکن به علت نبودن دامپزشک و خدمات دامپزشکی به هنگام شیوع بیماری‌های دامی، گوسفندان زیادی تلف می‌شوند.

در روستای هریس یک در مانگانه نوساز وجود دارد، که متأسفانه خالی و بدون استفاده مانده است. روستائیان هریس به علت فقدان پزشک و امکانات درمانی، به هنگام بروز بیماری، با مشکلات فراوان روبرو می‌شوند. در این روستا مدرسه راهنمایی وجود ندارد، لیکن قرار است که ساختمان برای این منظور ایجاد شود. روستائیان از مقامات مسئول می‌خواهند که با رسیدگی به مشکلاتشان، آنان را یاری دهند، تا با افزایش تولید و تقویت پشت جبهه، در خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ایجاد پیش‌سهم داشته باشند.

مناسبات جمهوری دمکراتیک آلمان با خلق‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین بر پایه همبستگی و کمک ضد امپریالیستی استوار است

در جهان سوسیالیسم

در روند تحکیم حاکمیت سیاسی و در مبارزه برای استقلال اقتصادی، صنعتی کردن کشاورزی، توسعه زیرساختار و استقرار مناسبات جدید دمکراتیک در گستره بازرگانی خارجی، آموزش حرفه‌ای، تخصصی و دانشگاهی شهر و وندان کشورهای رشدیابنده روز بروز اهمیت بیشتری می‌یابد.

کمک‌های فرهنگی جمهوری دمکراتیک آلمان به خلق‌های ستمدیده

از سال ۱۳۴۹ تاکنون ۳۹۰ هزار شهروند کشورهای رشدیابنده، از جمله ۹۰۰۰ تن در سال ۱۳۵۸، در رشته‌هایی چون تکنیک روستایی، تولید حیوانی و گیاهی، بهداشتی، حفاظت کار، ساختمان، فلزکاری، علوم مالی و اقتصاد کارخانه، در جمهوری دمکراتیک آلمان آموزش حرفه‌ای دیده‌اند. در همین سال‌ها، در حدود ۱۰ هزار شهروند اینگونه کشورها در مدارس تخصصی و عالی جمهوری دمکراتیک آلمان آموزش یافتند. تنها در سال ۱۳۵۸، ۲۶۵۰ شهروند کشورهای رشدیابنده دوره مدارس تخصصی و عالی آلمان دمکراتیک را به پایان رسانیدند.

مهم‌ترین رشته‌هایی که دانشجویان کشورهای رشدیابنده در جمهوری دمکراتیک آلمان در آنجا تحصیل می‌پردازند، عبارتند از: علوم فنی، علوم طبیعی، پزشکی، تربیت معلم، کشاورزی، مسائل تعاونی و اقتصاد کارخانه.

در پیوند با احداث ماشین آلات و واگذاری وسایل تولید کشاورزی، در سال‌های ۵۸-۱۳۴۹، در حدود ۵۵ هزار شهروند کشورهای رشدیابنده (تنها در سال ۱۳۵۸، ۲۳ هزار نفر) نزد کارشناسان جمهوری دمکراتیک آلمان آموزش دیدند.

اعزام کادر تخصصی به کشورهای رشدیابنده

از سوی دیگر، کادرهای تخصصی جمهوری دمکراتیک آلمان به کشورهای

همخوان با سیاست انترناسیونالیستی حزب سوسیالیست متحد آلمان، همکاری اعتمادآمیز جمهوری دمکراتیک آلمان با کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین در سال‌های گذشته پیوسته روبه گسترش بوده است. از اول ژانویه ۱۹۷۰ (۲۱ بهمن ۱۳۴۹) تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۰ بهمن ۱۳۵۸) جمهوری دمکراتیک آلمان با ۵۹ کشور رشدیابنده ۱۴۱ قرارداد دولتی (از جمله ۵۸ قرارداد بازرگانی، ۹ قرارداد دپروداختی، ۲۷ قرارداد درباره همکاری علمی-فنی و ۴۷ قرارداد در زمینه‌های اقتصادی، علمی و صنعتی) بسته است.

کمک همه‌جانبه آلمان دمکراتیک به کشورهای رشدیابنده

هدف از همکاری اقتصادی و علمی - فنی جمهوری دمکراتیک آلمان با کشورهای آفریقایی-آسیایی و آمریکای لاتین عبارتست از تحکیم و گسترش توسعه اجتماعی-اقتصادی این کشورها و پشتیبانی از پیکار آنها در راه نظام اقتصادی بین‌المللی جدید، برپایه‌های حقوق برابری و منابع طبیعی خود، استقلال اقتصادی و علیه امپریالیسم، نواستعمار و ارتجاع.

مبادلات بازرگانی جمهوری دمکراتیک آلمان اینک بیش از سه برابر بیکره مشابه در سال ۱۳۴۹ است. این رقم در سال ۱۳۴۹، ۹۵۹۱۰ میلیون مارک بود. در این سال‌ها، سرعت افزایش مبادلات بازرگانی جمهوری دمکراتیک آلمان با کشورهای رشدیابنده بیشتر از کل مبادلات بازرگانی خارجی این کشور بود.

صادرات جمهوری دمکراتیک آلمان چه در زمینه کالاها و چه خدمات، بیشتر شامل ماشین آلات و تجهیزات برای زیرساختار، بویژه ترابری و مخابرات، تولید برق، تولید مواد خام، صنایع نساجی، ماشین‌سازی و چاپ و تبدیل فرآورده‌های کشاورزی می‌شود. از سال ۱۳۴۹ تاکنون، جمهوری دمکراتیک آلمان بیش از ۶۵ پروژ در کشورهای رشدیابنده، از جمله ۵۳ پروژ در سال ۱۳۵۸، به پایان رسانیده است. این کشور تنها در جمهوری سوسیالیستی ویتنام و جمهوری دمکراتیک خلق لائوس ۱۰۰ کارخانه ساخته است.

تولید و صدور جهش وار

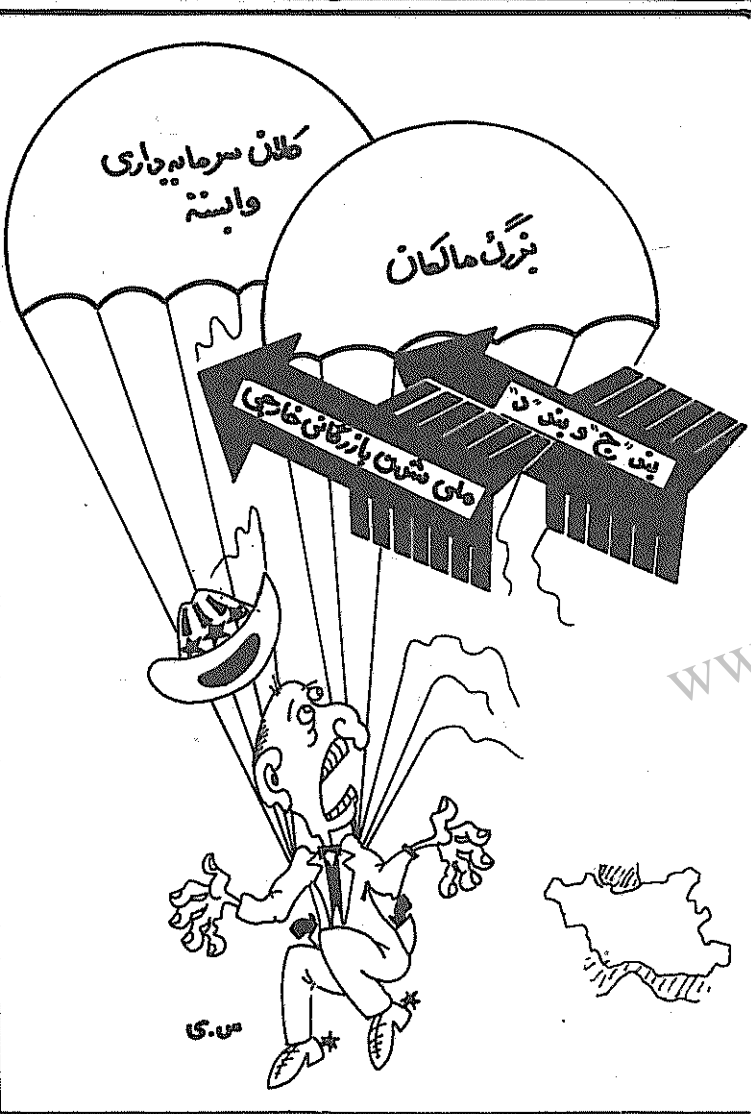
تسلیمات در جمهوری فدرال آلمان

در دوران حکومت سوسیال-دمکرات هادرن، تولید و صدور تسلیحات در جمهوری فدرال آلمان جهش وار افزایش یافت. صادرات این کشور بویژه در زمینه جنگ افزارهای بزرگ بالا رفته است. در زیر لیست ناقصی از تسلیحاتی که جمهوری فدرال آلمان به کشورهای رشدیابنده صادر می‌کرده و می‌کند، منتشر می‌کنیم.

کشتی جنگی (بلسوم + فوس، تیسن، هووالدت، لورسن). ناوچه: به آرژانتین، نیجریه، زیر دریایی: به آرژانتین، اکوادور، اندونزی، هند، پرو، ونزوئلا، شیلی، کلمبیا، اروگوئه، قایق-های سریع‌السیر: به ابوظبی، بحرین، کابون، غنا، نیجریه، تانزانیا.

علاوه بر این، کشورهای زیر حق امتیاز تولید ناوچه‌های آلمان غربی را یافته‌اند: آرژانتین، اندونزی، آفریقای جنوبی، مهبمات، نارنجک و غیره): به ایران، اندونزی، کنیا، تایلند، کلمبیا، گویان، فیلیپین، سنگاپور، اوگاندا، شیلی، برزیل، ونزوئلا، آفریقای جنوبی، دستگاه رادار: به آفریقای جنوبی، موشک‌های ضد تانک (هات و میلان): به عراق، ایران، سوریه، برزیل، چین، لبنان، سنگال، آفریقای جنوبی.

سلاح‌های دستی (ک-۳، مسلسل سبک، مهمات، نارنجک و غیره): به ایران، اندونزی، کنیا، تایلند، کلمبیا، گویان، فیلیپین، سنگاپور، اوگاندا، شیلی، برزیل، ونزوئلا، آفریقای جنوبی، دستگاه رادار: به آفریقای جنوبی، موشک‌های ضد تانک (هات و میلان): به عراق، ایران، سوریه، برزیل، چین، لبنان، سنگال، آفریقای جنوبی. آفاقیت (تولید مشترک دورینه و داسو): به نیجریه، مراکش، توگو، ساحل عاج.



در سال‌های ۵۸-۱۳۴۹، جمهوری دمکراتیک آلمان ۶۴۳/۲۲۵/۴۹۳ مارک بعنوان کمک نیکوکارانه، در اختیار کشورهای رشدیابنده و جنبش‌های آزادی بخش ملی گذاشت، که ۳۵/۷۴۳/۲۰۰ مارک آن از سوی صلیب سرخ جمهوری دمکراتیک آلمان تأمین شد. در همین مدت ۲۳۰۰ بیمار از کشورهای رشدیابنده، از جمله رزمندگان و معلولان جنبش‌های آزادی-بخش ملی، در جمهوری دمکراتیک آلمان رایگان درمان پذیرفتند.

بدینسان، همبستگی، چه در گفتار و چه در کردار، در زندگی و فعالیت مردم و دولت جمهوری دمکراتیک آلمان دارای ریشه‌های عمیق است. مناسبات این کشور با کشورهای رشدیابنده و جنبش‌های آزادی بخش ملی بر این اصل استوار است که پیکار ضد امپریالیستی و ضد استعماری خلق‌ها بخشی گسستناپذیر از مبارزه جهانیان در راه تأمین صلح و آزادی ملی و اجتماعی خلق‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین است.

گسترش دامنه تجاوز...

بقیه از صفحه ۳

نظامی اسرائیل با حمایت امپریالیسم آمریکا در لبنان پدید آمده، نگرانی خلق‌های این منطقه و محافل اجتماعی جهان را برانگیخته است. هم‌خلق‌ها و نیروهای ترقی خواه در منطقه و جهان این توطئه جدید دولت صهیونیستی اسرائیل و حامی آن امپریالیسم آمریکا را محکوم می‌کنند و تشدید و خامت اوضاع در این منطقه را خطری جدی برای صلح و امنیت کشورهای این منطقه ارزیابی می‌کنند.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی همبستگی و پشتیبانی قاطعانه خود را از مبارزه عادلانه و حق طلبانه کشورهای عضو جبهه پایداری، از آن جمله سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین، که در خط مقدم این جبهه رویارویی با اسرائیل قرار دارند، اعلام کرده‌اند. ارایش هونگر، دبیرکل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دمکراتیک آلمان، در ملاقات با شادلی کلیبی، دبیرکل اتحادیه عرب، که هفته پیش

در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان انجام گرفت، آمادگی دولت جمهوری دمکراتیک آلمان را برای همکاری نزدیک با سازمان اتحادیه عرب و کشورهای عضو این سازمان، در زمینه استقرار صلح، تشنج زدایی و حل مسالمت‌آمیز مسائل این منطقه اعلام کرد.

اریش هونگر، رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان، مبارزه خلق‌های عرب و سازمان آزادی بخش فلسطین را برای آزادی سرزمین‌های اشغال شده از جانب تجاوزگران اسرائیل و حق خلق عرب فلسطین را برای تشکیل دولت مستقل ملی در سرزمین‌های خود مورد تأیید قرار داد.

اظهارات رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان بار دیگر همبستگی کشورهای سوسیالیستی را با خلق‌های این منطقه، در مبارزه علیه سیاست‌های تجاوز - گرانه امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل، نشان می‌دهد. این اظهارات بیان این واقعیت است که هم‌خلق‌های جهان در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و به خاطر حفظ استقلال، همواره از پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی برخوردار بوده و خواهند بود.

خواست‌های ...

بقیه از صفحه ۵

می‌کند. اهالی این روستا خواستار افزایش سهمیه سوخت هستند، به بویژه که ۲۵ دستگاه تراکتور نیاز حیاتی به سوخت دارد. با این که ۳۰ عدد موتور و پمپ آب وجود دارد، ولی باز هم آب زراعی کافی نیست و این یکی از معضلات بزرگ دهقانان است.

به علت عدم خرید محصولات به قیمت عادلانه از جانب دولت، دهقانان مجبور هستند محصولات خود را به بلف خرها پیش فروش کنند.

دهقانان می‌طلبند که کود شیمیایی به قیمت عادلانه، به آن‌ها فروخته شود. تا مجبور نباشند کود شیمیایی را در بازار آزاد به دو برابر قیمت اصلی خریداری کنند.

اکثر زنان روستایی سواد هستند و نتوانسته‌اند سواد آموزی کنند. آن‌ها در کلاسی که به تازگی دایر شده، با

اشتیاق به سواد آموزی می‌پردازند. زنان چه در فرش بافی و چه در برداشت محصول، کمک فراوان می‌کنند.

اهالی این روستا در تمام تظاهراتی که در زمان رژیم سابق علیه طاغوت انجام می‌شد، فعالانه شرکت داشتند و هم‌اکنون نیز تعدادی از اهالی این روستا به عنوان سربازان منقذی خدمت ۵۶ راهی جبهه‌ها شده‌اند، تا پاسخ مناسبی به رژیم تجاوزگر صدام بدهند.

یکی از اهالی به نام کریم می‌گفت: "وضع کشور، بعد از انقلاب حتما بهتر می‌شود، ولی توطئه‌های آمریکا سنگ جلوی انقلاب ایجاد می‌کند. با این همه ملت قهرمان ما آن‌ها را (توطئه‌ها را) خنثی می‌کند. آمریکا این بار صدام را به میدان آورده است."

در این روستا، با نظارت سرپرست هیئت ۷ نفری، شورای ده در دی ماه گذشته تشکیل شده است. نقش جوانان در انتخابات شورا چشمگیر بوده است. جوانان قبلا هم در مرمت راه مدرسه و حمام روستا شرکت فعال داشته‌اند.

به تازگی در این روستا کلاس نهضت سواد آموزی دایر شده است. که زنان و مردان روستا در آن به

سواد آموزی مشغول هستند. حدود ۱۵ نفر در پیلمه بی‌کار در این روستا وجود دارد.

جهد سازندگی تا به حال سری به این روستا نزده است و دهقانان منتظر هستند تا جهاد در رفع مشکلات، آن‌ها را یاری رساند.

یکی از اعضای شورای ده می‌گفت: "ما در خدمت تمام برادران خود هستیم و حاضریم تا آخرین لحظه، تمام خواست‌های دهقانان عزیز را به جا بیاوریم. ما هیچ فرقی بین هیچ کس قائل نخواهیم شد."

وی خواست‌های دهقانان را به شرح زیر توضیح داد:

۱- زمین برای افراد بی‌زمین و کم‌زمین،

۲- احداث درمانگاه و تأمین بهداشت و کسب راه، لوله‌کشی آب و ایجاد مدرسه راهنمایی،

۳- رسیدگی به وضع کشاورزی و رفع مشکلات (وسایل کشاورزی، کود، بذر، آب و غیره)،

۴- خرید به موقع محصول کشاورزان از طرف دولت و با قیمت عادلانه.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران - بوشهر:

فعالیت ضدانقلاب از بوشهر تا پشت کوه گسترش می یابد

عدم قاطعیت دوسر کوب ضدانقلاب و اعمال ناسنجیده برخی مسئولان زمینه سوءاستفاده را برای دشمنان فراهم ساخته است. با هشیاری، قاطعیت و اتحاد میتوان و باید توطئه ضدانقلاب را عقیم گذارد.

به دنبال گسترش فعالیت عوامل ضدانقلاب در بوشهر، حزب توده ایران - سازمان بوشهر با انتشار اطلاعیه‌ای از مردم و مسئولین خواست که با هشیاری این توطئه‌ها را خنثی کنند. در این اطلاعیه آمده است: «مردم قهرمان بوشهر! توده‌های زحمتکش، این حماسه آفرینان پسرشور، در جنگ مقاومت با متجاوزان صدامی بار دیگر ثابت کردند که مردم دلاور ایران از دستاوردهای انقلاب چون مردمک چشم خود مراقبت می کنند و از بذل مال و جان برای پیروزی قطعی و نهایی انقلاب دریغ ندارند. این مقاومت دلیرانه در همان روزهای نخست، توطئه ششم امپریالیسم آمریکا را با شکست سیاسی روبرو کرد. به دنبال این شکست، امپریالیسم آمریکا توطئه هفتم خود را آغاز کرد و درگیری و تشنج در داخل کشور در دستور روز ضدانقلاب قرار گرفت. برای ایجاد آشوب و تشنج، جبهه متحد ضدانقلاب (ضدانقلاب سازمان یافته، کلان سرمایه داران، زمینداران بزرگ، ساواکی‌ها و مافویست‌های آمریکائی) که از جانب امپریالیسم جهانی، بسز کردگی امریکای مستقیما هدایت می شود، با یاری لیبرال‌ها به تلاش گسترده‌ای دست زد. اکنون امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی به تشدید ترگیری و تشنج در داخل کشور امید بسته‌اند، تا راه را برای بازگشت دولت «میانه‌رو» هموار سازد و یا با برپا کردن جنگ داخلی در میهن ما، زمینه را برای دخالت مستقیم نظامی فراهم کنند. مردم قهرمان بوشهر! در اجرای این نقشه شوم امپریالیسم آمریکا، استان ما هم، به لحاظ همجواری با دولتهای مرتجع عربی و امکان

آمد و رفت عوامل ضدانقلاب و ارسال اسلحه، مورد توجه جدی دشمنان انقلاب قرار گرفته است. ضدانقلابیون از طریق تفاهلهای رژیم منفور پهلوی، با استفاده از کانالهای ارتباطی قاچاقچیان عمده و زمینداران بزرگ، دامنه فعالیت خود را تا پشت کوه و خوانین عمایری گسترش داده‌اند و با هماهنگی کامل در شهر و روستا به فعالیت ضدانقلابی خود مشغولند. بی دلیل نیست که یکسری اعلامیه و نشریات عوامل ضد انقلاب به‌طور همزمان در شهرهای اطراف استان و شهرستان بوشهر پخش می‌شود.

بی دلیل نیست که همزمان با این‌ها، یکی از افراد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در گناوه ترور می‌کنند. تصادفی نیست که عوامل خان بزرگ منطقه به مبارزه مسلحانه با سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین می‌پردازند، که از جمله در منطقه ریز منجر به زخمی شدن یکی از افراد بسیج مستضعفین می‌شود. بی دلیل نیست که همزمان با این عملیات، عکس‌هایی از بازماندگان رژیم منحوس سابق در بوشهر بطور همزمان پخش می‌گردد.

با توجه به حوادث یاد شده، ما به مسئولین امر هشدار می‌دهیم: دشمنان انقلاب با استفاده از زمینه‌ای که بر اثر عدم قاطعیت در سرکوب ضدانقلاب و برخی اعمال ناسنجیده مسئولان فراهم آمده است، فعالیت خود را پیوسته گسترش می‌دهند.

ما به مردم قهرمان استان بوشهر و خصوصا اهالی شهرها و روستاهای حاشیه دریا هشدار می‌دهیم که به کمک نهادهای انقلابی، مخصوصا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و با هشیاری از مرزهای میهن عزیز خود پاسداری کنند و فریب عوامل ضدانقلاب را، که با عمده کردن نارسائیا بر تمام دستاوردهای انقلاب خط بطلان می‌کشند نخورند. انقلاب ما مراحل حساس و دشواری را می‌گذراند. با درک هرچه عمیقتر وضع کنونی، بکوشیم تا با کمک ارگانها و نهادهای دولتی، خصوصا پاسداران و بسیج مستضعفین در منطقه، پوزدهامپریالیسم و ضدانقلاب را، که برای اجرای توطئه هفتم خود، به شکلی جدی متوجه استان ما هم شده‌اند، به خاک بمالیم.

پیام

فدراسیون جهانی جوانان دمکرات به سازمان جوانان توده ایران بمناسبت ۳۸مین سالگرد تأسیس سازمان جوانان توده ایران

رفقای عزیز!

فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و دبیرخانه آن، به نام میلیون‌ها جوان سراسر کیتی، در ۳۸مین سالگرد تأسیس سازمان جوانان توده ایران، درودهای گرم خویش را به شما و از طریق شما به جوانان ایران ابلاغ می‌دارد. شما با مبارزه طولانی و افتخارآمیز خود یکی از تبهکارترین و سیاه‌ترین رژیم‌های سلطنتی جهان را سرنگون ساختید و ضربه خردکننده‌ای بر طرح‌های امپریالیسم، بسز کردگی امپریالیسم آمریکا، در منطقه وارد ساختید، مبارزه شما مورد حمایت همه نیروهای صلحدوست و ضد امپریالیست جهان، از جمله جوانان است، و آنان پیروزی شما راه گرمی تهنیت گفتند.

فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، در ۳۸مین سالگرد تأسیس سازمان جوانان توده ایران، دگر باره همبستگی ناکستی خویش را با مبارزه مردم و جوانان ایران به منظور شکست مانورهای آشکار و پنهان امپریالیسم و تحکیم دستاوردهای انقلاب اعلام می‌دارد.

دبیرخانه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران در اوز فارس به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای عزیز. کمیته مرکزی حزب توده ایران!

درودهای گرم و پرشور و رفیقانه ما را به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بپذیرید، رفقا!

میهنان و انقلاب شکوهمند مردم ایران شرایط حساس و بغرنجی را می‌گذرانند، صفت بندی مشخص نیروهای طبقاتی جامعه و توطئه مکرر، ظریف و حساب شده امپریالیسم آمریکا در داخل و خارج ایران برای براندازی یا مسخ انقلاب - انقلاب بزرگ مردم ایران را به مرحله سرنویست سازی نزدیک می‌سازد. پیشک مرحله تثبیت و بازگشت ناپذیر کردن تحولات انجام گرفته انقلاب و تعمیق راه رشد و درونمای تاریخ ساز آینده انقلاب، از وظایف اساسی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، بویژه حزب پیشاهنگ آن، حزب توده ایران است. در این مرحله انقلاب است که مصوبات هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب نقش حساس و راهگشایی را در جهت تثبیت و تعمیق انقلاب، بخاطر منافع حال و آتی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران ایفا می‌کند.

رفقا!

ما اعضا و هواداران حزب توده ایران در اوزه، باردیگر به شما رفقای کمیته مرکزی صمیمانه شادباش می‌گوییم و موفقیت و پیروزی شما را در انجام وظایف تاریخی‌تان آرزو مندیم. زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!

تعدادی از...

بقیه از صفحه ۱

انبار مهمات متجاوزان صدامی توسط قوای ما منهدم شد. پرسنل نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز توانستند يك خمپاره انداز، ۲ خودرو و تعدادی از سنگرهای این متجاوزین را در بخش اشغالی خونین شهر منهدم کنند.

رزمندگان جمهوری اسلامی ایران شد. در نتیجه آتش نیروهای رزمنده ما ۶ تانک، هشت انبار مهمات، يك خمپاره انداز، سه سنگرتیربار و سه خودرو دشمن به آتش کشیده و نابود شد. براساس این گزارش دشمن با اجرای آتش بر روی مناطق مسکونی آبادان و ذرفول خسارات و تلفاتی به اهالی این شهرها وارد آورد. این گزارش می‌افزاید در جبهه دارخوین يك خودرو و يك

ارائه میشوند. ما که به مفید بودن «بحث آزاد» اعتقاد صادقانه داریم، همچنان امیدواریم که احزاب، سازمانها و گروههایی که برای شرکت در «بحث آزاد» دعوت شده بودند، ولی در این بحث شرکت نکردند، در تصمیم خود مبنی بر عدم شرکت در «بحث آزاد» تجدیدنظر کنند. و اما خشم و کین نثریاتی چون «هیزان» و گروههایی چون «نهضت آزادی» در مورد شرکت حزب توده ایران در این بحثها، کاملا مفهوم است. آنها که می‌خواستند خود را مدافع و پرچمدار «بحث آزاد» وانمود کنند، وقتی این پرچم کاذب را از دست میدهند و چاره‌ای جز فرار از «بحث آزاد» نمی‌یابند، طبیعی است که از شرکت حزب توده ایران، که همواره و در همه جا مشتاقانه از هرگونه برخورد آزادانه عقاید استقبال کرده‌است، ناخشنود باشند و به آن بتازند. برای اینان «آزادی» و «بحث آزاد»، واقعا آزادی نیروهای سیاسی و

نشست، عقاید آنها را شنید و مردم را در پذیرش بهترین و صحیح ترین استدلال‌ها و نظریات، مخیر گذارد، به رشد قابل توجهی دست یافته است. تأیید و استقبال توده‌های مردم که بر این اقدام صحنه گذارده‌اند، پشتیبان ادامه و گسترش آنست. اما گذشته از این واکنش مثبت مردم، واکنش دیگری نیز از جانب برخی افراد و گروهها و روزنامه‌ها مشاهده شد که بر تخطئه، ابراز خشم و نارضایتی مبتنی است. اینان که خود از شرکت در «بحث آزاد»، خودداری کرده‌اند، در واقع به تخطئه آن چیزی پرداخته‌اند که همواره خود را «پرچمدار» آن می‌نامیده‌اند. دلائل عدم شرکت این گروهها، مست و بی پایه است. عدم پخش مستقیم، و یا «اداره برنامه» توسط گروه معینی، در واقع دلیل نیستند، بلکه بهانه‌هایی هستند که برای کتمان گریز از شرکت در «بحث آزاد» و ابراز نظریات خویش در برخورد با نظرات دیگران

مردم می‌طلبند...

بقیه از صفحه ۱

(اطلاعیه وزارت امور خارجه، «اطلاعات»، ۳۱ اردیبهشت ۶۰) نکات دیگری که بعدا فاش گردید، ابهامات و سئوال‌های بیشتری را موجب شده است: ۱- اسماعیل ناطقی، که قبلا، بهنگام سرپرستی قطب‌زاده، در صداوسیما، توسط او به تلویزیون راه یافته و پس از ورود قطب‌زاده به وزارت امور خارجه، به این وزارتخانه آمده بود، قبلا نیز اسناد محرمانه بسیاری از وزارت امور خارجه خارج ساخته و به افراد مختلف داده است. ۲- «برخی از این اسناد بصورت منحصر بفرد در بویله به کسانی است که از طرف وزرای سابق وزارت خارجه منصوب شده‌اند و هم اکنون نیز مصدر کار هستند.» (همانجا)

اخراج کارکنان...

بقیه از صفحه ۱

آنها در شرایطی که ۸ ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند، چون صاعقه بر سر آنها نازل شد. باخراج کارکنان نیروگاه برق رامین، پیشک اقدامی ناراضی‌تراشانه و در نتیجه به زیان انقلاب است. از مسئولین امر می‌خواهیم که هرچه سریعتر به این موضوع رسیدگی کنند و ضمن لغو حکم اخراج، نسبت به پرداخت حقوق معوقه کارکنان نیز اقدام لازم بعمل آورند.

از وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمانهای دولتی به سرعت رفته است و مقامات مسئول در زمینه نستگیری و معرفی رباپندگان اسناد چه اقداماتی کرده‌اند؟ مردم می‌طلبند که هرچه سریعتر به این سئوال‌ها پاسخ داده شود.

آمده است که برخی از این اسناد درباره کسانی است که توسط وزرای خارجه پیشین منصوب شده‌اند و هنوز هم مصدر کار هستند. در همین اطلاعیه از رئیس جمپور سئوال شده است که: آیا «خروج آنها (اسناد) باین صورت نمی‌تواند شبیهاتی را در زمینه محو یا سوءاستفاده از آنها القاء نماید؟» پرسش اینست که: مطالبی که در اسناد درباره انتصابات وزرای خارجه پیشین که هنوز هم مصدر کار هستند، وجود دارد، چیست و چه کسانی در «محو یا سوء استفاده از آنها» ذینفع‌اند؟ سئوال ۲- نقش دفتر ریاست جمهوری در این رابطه چیست؟ سئوال ۳- شبکه سرقت اسناد در وزارت کشاورزی و دیگر ادارات و سازمانهای دولتی چیست و تا بحال چه اسنادی، به چه منظوری و توسط چه کسانی،

۳- يك مقام آگاه وزارت امور خارجه، به خیرتکار «اطلاعات» گفته است که سرقت اسناد تنها مربوط به وزارت امور خارجه نبوده، «بلکه شبکه وسیعی در کلیه ادارات و سازمانهای دولتی، فعالیت وسیعی را برای بودن اسناد آغاز کرده بودند.» (اطلاعات، ۳۰ اردیبهشت ۶۰). این مقام آگاه وزارت امور خارجه از جمله از وزارت کشاورزی نام برد. چنانکه واضح است مساله بسیار جدی‌تر از آنست که در بدو امر تصور میشد. ابهامات متعدد موجود در این واقعه و اهمیت بر طرف شدن آنها برای آگاهی توده‌های وسیع مردم و نیروهای انقلابی، پرسش‌های متعددی را طرح می‌سازد که مقامات مسئول ملزم به پاسخگویی به آنها هستند: سئوال ۱- در اطلاعیه وزارت امور خارجه خطاب به رئیس جمپور



جسد ۳۶۸۰۰ قربانی رژیم پولپوت در کامبوجیا کشف شد

در کامبوجیا بار دیگر قبر غلیبی از دوران قساوت رژیم ایسته به یکن، پولپوت، پیدا گشت.

بگزارش خبرگزاری کامبوجیا، ر کودالی در شمال خاوری نوهین، جسد ۳۶۸۰۰ نفر کشف شد. خیلی از آنها زنان باردار و کودک بوده‌اند.

مزدوران چین در کامبوجیا در کمتر از چهار سال حکمرانی بوده نزدیک به سه میلیون نفر را بقتل رساندند. بیش از دو سال پیش میهن‌دوستان کامبوجیا بن رژیم خونخوار را، سرنگون ساختند.

نایبینه جدید فرانسه تعیین شد

در فرانسه، نخست‌وزیر جدید ن کشور، پیر موروا، ترکیب نایبینه خود را، که به تأیید لیس‌جمهور فرانسه رسیده‌است، اعلام کرد. بیشتر ۴۲ وزیر کابینه رموروا «سوسیالیست» هستند. نخستین جلسه هیئت‌دولت روز پارسه ۶ خرداد تشکیل خواهد شد.

اجلاس «جامعه عرب» پشتیبانی خود را از سوریه و «سازمان آزادی بخش فلسطین» در قبال تجاوز و تهدید اسرائیل اعلام داشت

اجلاس «جامعه عرب» در تونس پایان یافت. شرکت‌کنندگان در این اجلاس از ایالات متحده آمریکا خواستند که از پشتیبانی از اسرائیل دست بردارد. یانیه اجلاس «جامعه عرب» یادآور می‌شود که «تشیق هدفهای تجاوزکارانه اسرائیل از سوی آمریکا به درگیری با سراسر جهان عرب خواهد انجامید.»

در این اجلاس، وزیران خارجه کشورهای عرب اوضاع خاورمیانه را بررسی کردند، که اینک، بر اثر تشدید تجاوزات اسرائیل علیه لبنان و تهدیدات نظامی علیه سوریه سخت بوخامت گزیده است. کنفرانس تونس پشتیبانی‌خود را از سوریه و جنبش آزادی‌بخش ملی فلسطین، اعلام کرد.

بگفته اعلامیه کنفرانس، در صورت تجاوز «تل‌آویو» به سوریه کمک لازم داده خواهد شد. شرکت‌کنندگان اجلاس تونس قرارداد ضدعربی «کمپ‌دیوید» را که، زیر نظارت آمریکا، میان مصر و اسرائیل امضاء گردیده، مردود خواندند.

کیهان‌نوردان شوروی و رومانی بزمین بازگشتند

روز ۱ خرداد ۶۰، گئویدرولف و گیمیتروویواریو، کیهان‌نوردان شوروی و رومانی، اقامت یک‌هفته‌ای خود را در ایستگاه ممداری «سالیوت» پایان دادند و به زمین بازگشتند.

دو کیهان‌نورد پس از نشست به زمین، حال خود را «خوب» توصیف کردند. پوپوف و پوناریو رویهم‌رفته ۴۰ آزمایش در فضا انجام دادند.

مسئول این پرواز اظهار داشت که دو کیهان‌نورد نامبرده بخوبی از عهده وظائف خود برآمدند. بگفته وی، بدین ترتیب سلسله پروازهای «اینترکوسموس» پایان می‌یابد. در این پروازها، کیهان‌نوردان ۹ کشور سوسیالیستی شرکت کردند.

«تل‌آویو» خواستار انضمام لبنان به باصطلاح «اسرائیل بزرگ» است

بگزارش «تاس» از دمشق، «اسرائیل به تشویق «واشینگتن» خود را برای تجاوزی وسیع در خاورمیانه آماده می‌کند. یکی از نشانه‌های این تجاوز آنست که اسرائیل از سوریه خواسته است تا موشکهای ضدهوایی خود را، نه تنها از لبنان، بلکه همچنین از منطقه مرزی سوریه، فراخواند.»

این موشکها هنگامی در این مناطق مستقر شدند، که اسرائیل به حمله هوایی به گردانهای سوری «نیروهای پاسدار صلح عرب» دست زد. چنانچه «تل‌آویو» به تهاجم به مناطق بیگانه نیردازد، این موشکها نمی‌توانند خطری برای اسرائیل و هواپیماهای آن بشمار آیند. گزارش «تاس» می‌افزاید:

«نه اسرائیل و نه حامیان آن از اوضاع خرسند نیستند. اسرائیل و ایالات متحده خواهان راه‌حلی هستند، که دست «تل‌آویو» را آزاد بگذارد و لبنان، سوریه و دیگر کشورهای عرب را از حق دفاع از خود محروم سازد.»

بگفته «تاس»:
«بدینسان از حل سیاسی مسئله خاورمیانه جلوگیری خواهد شد، شرائط رخنه ایالات‌متحده آمریکا به منطقه فراهم خواهد آمد و حضور نظامی آن در آنجا دائمی خواهد گشت. این سیاست لبنان را بعنوان کشور مستقل نابود خواهد کرد و به انضمام آن به باصطلاح «اسرائیل بزرگ» خواهد انجامید.»

خیابانهای «آلستر» به میدان جنگ تبدیل شده است

روز جمعه ۱ خرداد ۶۰، بار دیگر دختر جوانی قربانی سرکوب نیروهای انگلیسی شد. کارول کلی چهارده‌ساله بر اثر یک گلوله پلاستیکی بهلاکت رسید. چند ساعت قبل از آن نیز یک مرد ایرلندی بضررب گلوله پلاستیکی از پای درآمد.

بگزارش خبرنگاران، خیابانهای «آلستر» به میدان جنگ تبدیل شده است. درگیریهای خیابانی بویژه پس از مرگ پاتریک اوهارا، چهارمین زندانی ایرلندی زندان «میز»-پس از ۶۱ روز اعتصاب غذا، به اوج خود رسید. زندانیان «میز» با اعتصاب غذای خود خواهان دست‌یابی به حقوق زندانیان سیاسی هستند.

روز شنبه، ۲ خرداد ۶۰، بار دیگر قظاهرات خونین در «دری» از سر گرفته شد و سربازان انگلیسی به شلیک گلوله‌های پلاستیکی پرداختند.

درباره گزارش هیئت بررسی شکنجه به امام خمینی

است یا خیر؟ جواب هیئت در این مورد روشن است:

«نظام حاکم بر زندانها و بازداشتگاهها و بازپرسیا مبتنی بر جلوگیری و نفی هر نوع شکنجه و آزار نسبت به دستگیرشدگان بوده و میباشد.»

این «نظام حاکم» بود، اما در عین حال «استثنائی وجود داشته که در هر کجا هیئت‌اعمال شکنجه یا وقوع جرم را احتمال داده‌است»، پرونده را بمقامات قضائی احاله کرده است.

این شیوه مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران است که «استثنائی» را «اصل» میکنند، تا چهره انقلاب را در پیش مردم ایران و جهان بدنام کنند. مقصود آنان و حامیان امپریالیستی‌شان نیز روشن است: این نظام «شکنجه‌گر» و «مترجم» باید برکنار شود و بجای آن حکومت «متمدنی» از «رحال‌معتدل و میانه‌رو» و طرفدار «آزادی» روی کار بیاید، که در حکومت آنان نه داغ و درفش، خواهی بود و نه «فشار و اختناق»! فقط این آقایان در اینجا دچار یک «فراموشی کسوف» می‌شوند و آن اینکه:

رژیم ترور و اختناق و شکنجه و اعدام آریسامبری ساخته و پرداخته آنان بود و حالا هم فاشیسم اویسی را - یا مستقیما یا بوسیله جاده‌صاف‌کن‌های خود - میخواهند بر مردم ایران تحمیل کنند.

گزارش «هیئت بررسی شکنجه» نشان میدهد که دشمن از هر نقطه ضعفی، از هر «استثنائی» برای پیشبرد هدفهای سیاسی خود استفاده میکند. استدلال برخی از مبارزان «قشری» که ما کار خودمان را میکنیم و کاری بکار مخالفان در داخل و خارج کشور نداریم، یک استدلال سطحی و ساده‌اندیشانه است. اگر ما می‌توانستیم کاری بکار آنان نداشته باشیم، مجبور نبودیم «هیئت بررسی شکنجه» را، آنهم بفرمان عالیترین مقام در جمهوری اسلامی ایران، تشکیل دهیم و ماهها وقت خودمان و روزنامه‌ها را به گفتگو درباره این مسئله صرف کنیم.

در جنگ نمیتوان تنها به خود اندیشید و از کارها و واکنشهای دشمن غافل ماند. اگر فرماندهی این شیوه‌ها در پیش گیرد شکست او حتمی است. بارزه سیاسی از جنگ هم بمراتب، ظریفتر است.

دشمن در مبارزه سیاسی بر سر جنجال «شکنجه»، به یمن درایت امام خمینی و آگاهی عمیق «هیئت بررسی شکنجه» شکست خورد. راه مبارزه با مخالفان انقلاب اینست، نه بی‌اعتنایی و خودمحموری که بگوئیم: ما کار خودمان را میکنیم، بگذار دیگران هر چه میخواهند بگویند.

گزارش «هیئت بررسی شکنجه» ثابت میکند که امپریالیستهای امریکائی و همدستان داخلی آنها چگونه، دست در دست یکدیگر، بر ضد انقلاب ایران عمل میکنند.

اینها در داخل شایعه می‌سازند و آنها در خارج از راه رادیوها و سایر مجاری آنرا رواج میدهند. نتیجه کار نیز بضع مشترک آنهاست، که هدف واحد و دشمن واحدی دارند و آن انقلاب ایران است.

اما دزمورد اصل مأموریت هیئت که: آیا شکنجه رواج داشته

بتوانند نهادهای انقلابی را به انفعال بکشانند.

مبارزه امپریالیسم و عوامل داخلی آن تنها از طریق جنگ روانی و شایعه‌پراکنی (از جمله در مورد شکنجه) انجام نگرفته است. از گزارش هیئت اطلاع می‌یابیم که در مرحله اول انقلاب، که «نهادهای خودچوش در همه جا بوجود آمدند... افراد ضدانقلاب نیز در این نهادها فعالیت داشته‌اند و مرتکب تخلفاتی شده و ستم‌هایی کرده‌اند...» و در مرحله دوم نیز بلحاظ «کمال نبودن تصفیه در بعضی موارد و همچنین جوانی و بی‌تجربگی مأمورین تخلفاتی صورت گرفته که نسبت به مرحله قبل بمراتب کمتر است و در مرحله سوم «تقریبا از اواخر تابستان ۱۳۵۸ امور نسبتا به نظم و ترتیب درآمده و تخلفات بحد قابل خود رسیده است.»

این بخش از گزارش «هیئت بررسی شکنجه» از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. نتیجه‌گیری این هیئت، که ضدانقلاب عوامل خود را بحدود نهادهای انقلابی میفرستاده، تا با تخلف و ستم موجب بدبینی مردم به مأمورین کمیته‌ها و پاسداران را فراهم کند و در این کار تا حدودی هم موفقیت یافته است، نشان میدهد که تخلف از قانون و خودسری (که هر چند در مرحله دوم نسبت بمراتب کمتر و در مرحله سوم بحد قابل کاهش یافته، ولی به‌رحال متأسفانه هنوز از بین نرفته است) تنها در جهت منافع ضدانقلاب است، و اگر این مسئله را وسیعتر بگیریم و در چارچوب تمام‌روابط اجتماعی بررسی کنیم، می‌بینیم که خروج از حکم قانون، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، بهر دلیلی باشد، آبرویختن به آسیاب ضدانقلاب است، که در اوایل انقلاب با نفوذ آشکار در نهادهای انقلابی و سپس با رخنه پنهانی در صفوف انقلابیون، خودسری و زورگویی را ترغیب کرده و میکند، تا از آن نتایج سیاسی بگیرد.

این نتیجه‌گیری ارزنده را مسئولان نهادهای انقلابی هرگز نباید از یاد ببرند.

گزارش «هیئت بررسی شکنجه» ثابت میکند که امپریالیستهای امریکائی و همدستان داخلی آنها چگونه، دست در دست یکدیگر، بر ضد انقلاب ایران عمل میکنند.

اینها در داخل شایعه می‌سازند و آنها در خارج از راه رادیوها و سایر مجاری آنرا رواج میدهند. نتیجه کار نیز بضع مشترک آنهاست، که هدف واحد و دشمن واحدی دارند و آن انقلاب ایران است.

اما دزمورد اصل مأموریت هیئت که: آیا شکنجه رواج داشته

گزارش هیئت بررسی شکنجه به امام خمینی در حقیقت تحقیق جامعی از وضع زندانها و مسائل زندانیان و راههای رفع کبودها و نقص‌های موجود در سیستم‌اداره زندانهاست. پیشنهادهای ارزنده‌ای که در این سند ارائه میشود، میتواند پایه تنظیم روابط انسانی بین خاطیان محکوم بزندندان و مسئولان نظارت بر زندانها قرار گیرد. گزارش نامبرده در چارچوب «بررسی شکنجه» باقی نمانده و یک سلسله مسائل مهم دیگر را، که در زندانها وجود دارد، مطالعه و نتیجه‌گیری کرده است. از خلال تمام سطور این گزارش روح صداقت و امانت میتراود و جز اینهم نباید باشد. گزارش-هر گزارشی - به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، که زمینه تصمیم‌گیریهای ایشان است، فقط باید بیان حقیقت باشد.

هیئت بررسی شکنجه در عین آنکه صحنه‌سازیها و فریبکاریهای عوامل ضدانقلاب و سوء استفاده رادیوهای امپریالیستی را از شایعه شکنجه متذکر می‌کند، پنهان نمی‌کند که:

«در چند مورد شکایت‌مرکبین جرائم مواد مخدر در مورد شکنجه ظاهرا موجه بنظر میرسید و هیئت نسبت به برخی از مأموران مبارزه با مواد مخدر ظنن گردید که پرونده‌ها جهت رسیدگی و تعقیب به بازپرس ارجاع شد و متهمین اکنون در بازداشت بسر میبرند که اظهار نظر قطعی و نهائی درباره اتهام آنان و تعیین کیفر با مراجع صلاحیتدار قضائی است.»

هیئت بررسی شکنجه بدرستی به این نتیجه میرسد که جار و جنجال درباره شیوع شکنجه، بیش از آنکه یک انگیزه انسانی و حقوقی داشته باشد، پیکاری سیاسی بوده است که از «سر-سپردگان» به رژیم منفر پهلوی و عاملین سیاستهای امپریالیستی آمریکا در ایران، که از هرگونه کوشش برای تضعیف جمهوری اسلامی دریغ ندارند و با طرفداران «حقوق بشر امریکائی همگامند» سرچشمه گرفته است و این دست‌بخت آقایان طرفدار «حقوق بشر امریکائی» مدتی خوراک تبلیغاتی بسیار خوبی برای رسانه‌های گروهي وابسته به امپریالیسم بویژه رسانه‌های گروهي ممالک اسلامی تحت‌سلطه غرب بود.»

علاوه بر این، شایعه‌پراکنی درباره رواج شکنجه، بقعیده‌هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه «به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه‌پراکنی درباره رواج شکنجه، بقعیده‌هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه «به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه‌پراکنی درباره رواج شکنجه، بقعیده‌هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه «به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه‌پراکنی درباره رواج شکنجه، بقعیده‌هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه «به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه‌پراکنی درباره رواج شکنجه، بقعیده‌هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه «به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه‌پراکنی درباره رواج شکنجه، بقعیده‌هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه «به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه‌پراکنی درباره رواج شکنجه، بقعیده‌هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه «به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه‌پراکنی درباره رواج شکنجه، بقعیده‌هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه «به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

علاوه بر این، شایعه‌پراکنی درباره رواج شکنجه، بقعیده‌هیئت نامبرده، از طرف سیاستهای خارجی و عناصر داخلی آنان، بمنظور کاستی از قاطعیت دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است، تا با توجه «به اثر روانی و سابقه ذهنی نامطلوبی که مسئله شکنجه در اذهان از دوران طاغوت داشت،

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم